

### اظهارات و تصمیمات جلسه مشاوره اعضاء شعبه اول دادگاه عالی جنائی تهران راجع به نقائص پرونده خلیل طهماسبی \*

بتاریخ چهارم مهر - ۱۳۳۰ جلسه مقدماتی غیرعلنی شعبه اول دادگاه عالی

جنائی تهران، مرکب از آقایان زیر:

آقای اشرف احمدی رئیس

آقای باقر وکیلی مستشار

آقای محمد عظیم مستشار

آقای غلامحسین فخر طباطبائی مستشار

آقای زین العابدین امیر ابراهیمی مستشار

تشکیل، نسبت به پرونده ۲/۴۳ - ۳۰ مربوط به اتهام خلیل فرزند ابراهیم شهرت طهماسبیان ۲۶ ساله، نجار، ساکن تهران که قبلاً مورد مطالعه واقع شده بود مشاوره بعمل آمد و به نظر رسید که قبل از تکمیل موارد ذیل آماده برای رسیدگی نیست.

الف - طبق حکایت پرونده کسانی که با نخست وزیر مقتول هنگام حرکت فاصله زیادی نداشته، یا همراه او حرکت می کرده اند و درحقیقت برای العین ناظر وقوع حادثه بوده اند عبارتند از:

<http://www.chebayadkard.com>

• صفحات ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۷ پرونده.



سرگرد رأفت، لطیف طاهونی، اللهیار جلیلود، مصطفی بازوکی، عبدالحمین رحیمی، فریدون محمدی، اسدالله فرخنده کلام، علی اصغر سلطانی، غلامحسین حیدری وغیره، با ملاحظه اوراق مربوطه معلوم گردید اظهارات اشخاص نامبرده یا یکدیگر اختلاف دارد، هریک بنحوی موضوع دستگیر شدن متهم را بنحوی بیان نموده اند که برای نمونه چند مورد ذیلاً ذکر می شود.

۱ - فریدون محمدی پاسبان کارآموز گفته در حیاط مسجدشاه مشغول انجام وظیفه بودم، صدای تیر بطرف نخست وزیر بلند شد. این شخص تیرانداز، که این شخص (منظور من متهم است) باشد مشاهده، فوراً پشت گردن و بیضه او را گرفتم و نگذاشتم تکان بخورد، شخص قاتل با ته والترزد سمت چپ پیشانی بنده که خون جاری شد الخ.

۲ - مصطفی بازوکی گفته در سمت راست نخست وزیر بودم، صدای تیر بلند شد، برگشتم بطرف نخست وزیر، دیدم دست ضارب بطرف نخست وزیر است که تیر دوم خالی شد، من فوراً پریدم که دست ضارب را بگیرم تیر سوم خالی شد و نخست وزیر افتاد، و دست ضارب را گرفتم آوردم پائین، تیر چهارم در توی اسلحه گیر کرد، طاهونی و جلیلود با ضارب گلاویز شدند من اسلحه را از دستش درآوردم در جیب راست گذاشتم، در این بین یک نفر با چاقوزد که جیب مرا پاره کند و اسلحه را ببرد، من دست گذاشتم روی اسلحه، و با دست چپ خلیل را داشتم، یعنی دست او در دست من بود الخ.

<http://www.chebayadkard.com>

۳ - لطیف طاهونی گفته به فاصله یک قدم پشت سرنخست وزیر بودم، یک مرتبه صدای تیر بلند شد، برگشته شخصی را دیدم که اسلحه کوچکی در دست و بطرف رزم آراء شلیک می کند، بنده فوری با ضارب گلاویز، گردش را بین بازویم گرفتم، مصطفی بازوکی متوجه شده به فوریت اسلحه را از ضارب گرفت و جلیلود با بنده و ضارب را در بغل داشتیم الخ که این اظهارات با یکدیگر اختلاف دارد.

و نیز اظهارات پاسبان حیدری در صفحه ۱۳ با اظهارات محمدی و اظهارات جلیلود در صفحه ۱۸ بازجویی با اظهارات دیگران و اظهارات سر پاسبان فرخنده کلام در صفحه ۳۶ با اظهارات محمدی و اظهارات سر پاسبان بیات در شهربانی (صفحه ۷-۱) با اظهارات سایر مأمورین و همچنین گزارش مورخ ۱۶-۱۲-۲۹ پاسبان عبدالحمین رحیمی و اظهارات جهانگیر پاسبان با اظهارات سایر مأمورین اختلاف دارد، و بطور کلی



اظهارات کسانی که از آنها بازجویی شده در موضوع دستگیری متهم و همچنین گرفتن اسلحه اختلاف دارد، و حتی بین اظهارات آنان در بازجویی شهربانی و بازپرسی تا حدی اختلاف مشهود است.

ب - در موضوع آلتی که وسیله آن جرح بر سر فریدون محمدی وارد شده اختلاف گوی شده است، بدین توضیح که فریدون نامبرده در یکی از جلسات بازجویی اظهار داشته یا ته والتر سمت چپ پیشانی بنده زد که خون جاری شد، و در جای دیگر گفته است با کارد بسر من زد، و بین این دو اظهار اختلاف مشهود است.

ج - نسبت به گرفتن اسلحه از دست متهم بین اظهارات مأمورین اختلاف مشهود است.  
<http://www.chebayadkard.com>

د - متهم در بازجویی مورخ ۱۷-۱۴-۲۹ نزد باز پرس اظهار داشته است ۷ تیر فشنگ در اسلحه گذاردم و متوجه نشدم چند تیر شلیک کردم و چند [تیر] دیگر در مخزن اسلحه باقی مانده است از طرفی مصطفی پازوکی گفته اسلحه عبدالله (منظورش خلیل طهماسبیان است) گرفتم فشنگ گیر کرده بوده روپوش عقب بود و لوله جلوه که لازم بوده آقای باز پرس با حضور نماینده دادستان باقیمانده فشنگ ها را از اسلحه خارج تا معلوم شود چند تیر باقی مانده است.

ه - پوکه فشنگ موجود در پرونده با فشنگ های باقیمانده در اسلحه متهم تطبیق نشده است. علیهذا مقرر میشود دفتر پرونده خلیل طهماسبیان را وسیله دادرسی استان نزد باز پرس مربوطه اعاده دهد که با در نظر گرفتن موارد مذکوره فوق اولاً با احضار مجدد اشخاص نامبرده و تفهیم اظهارات آنان که با یکدیگر اختلاف دارد و مواجهه بین آنها موارد مذکوره در بند الف را روشن و معلوم نمایند و همچنین در موضوع بند ب آلتی را که وسیله آن جرح به محمدی وارد شده مشخص نمایند. زیرا با اظهاری که دیگران در موضوع بیرون آوردن کارد نموده که متهم در چه موقع مبادرت به کشیدن کارد کرده است روشن شدن این موضوع بی تأثیر نخواهد بود، بخصوص که متهم در صفحه ۳۷ بازپرسی گفته عن کارد نداشتم و خود محمدی گاهی گفته با کارد وزمانی اظهار داشته یا ته والتر متهم ضربه به او وارد کرده که با این کیفیت تحقیقات بیشتری که موضوع را روشن نماید در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

بعلاوه در قسمت بند ج باید تحقیقات بیشتری انجام که منجزا معلوم شود چه کسی اول دفعه اسلحه را از دست متهم گرفته است، و نیز در موضوع بندهای د - و - ه -



باید با حضور نماینده دادستان و کارشناس فشنگهای باقیمانده در اسلحه متهم تعیین و گلوله‌ای که بدست آمده و در پاکت مهر و لاکه شده و به مهر دادگاه جنائی مهور است با آن فشنگ‌ها تطبیق گردد، علاوه بر مراتب مزبور چون آقای لسانی وکیل متهم در لایحه مورخ ۲۸-۵-۳۰ اشعار داشته:

در وزارت کشور و رکن دو ستاد ارتش و اداره آگاهی پرونده‌هایی موجود است که سپید رزم آراء قصد تغییر رژیم داشته و چون مبنی و مستند بیانات خلیل طهماسبیان موکل در بازجویی‌های انجام یافته خلاصه اعلام خیانت نخست وزیر وقت بوده، و چون پرونده‌های استنادی ذکر شده در بالا کلاً مثبت مراتب دفاعی موکل است و باز پرس مکلف بوده است این پرونده‌ها را که مبنای دفاعی موکل است از وزارت خاتمه و دوائر مربوطه بخواهد و نخواسته است از این حیث پرونده مشکله ناقص می‌باشد، و برای رفع این نقیصه ضرورت دارد که آن دیوانعالی دستور فرمایند کلیه پرونده‌های مشکله در وزارت کشور و ستاد ارتش و شهربانی (که مثبت) مراتب دفاعی متهم می‌باشد خواسته و پیوست نمایند و قهری است در صورتیکه این نقیصه رفع نشود بدیهی است که دفاع متهم شنیده نشده و دلائل دفاعی استماع نگردیده، و چنین رویه‌ای خلاف عدالت است -، و همچنین آقای مهدی کاشانی وکیل دیگر متهم در آخرین قسمت لایحه خود نوشته چون پرونده وزارت کشور و اداره کل ژاندارمری و اداره کل شهربانی موجود است که محتویات آن دلالت بر وجود توطئه (ضد) ملی بوسیله شخص رزم آراء و همدستان او می‌نماید، و ملاحظه آن پرونده‌ها برای دفاع و اثبات بی‌گنا (هی موکل) ضرورت دارد، استدعا دارد مقرر فرمائید آن پرونده‌ها را نیز تا قبل از جلسه دادرسی از ادارات مربوطه خواسته ضمیمه نمایند.

<http://www.chebayadkard.com>

و نیز آقای صفاء حائری در نامه مورخ ۹-۵-۳۰ اشعار داشته چون در نامه‌ای که جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر در روز سه شنبه هیجدهم تیرماه ۱۳۳۰ در موضوع اسناد مکشوفه از اداره منحل شرکت سابق نفت به مجلس شورایی ملی تقدیم داشته و ضمناً گزارش آقای ناصر وثوقی دادیار دادرسی تهران را تذکر داده‌اند در گزارش مزبور اشاره شده که نطق تیمسار رزم آراء نخست وزیر اسبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از طرف شرکت تهیه شده بود بدست آمده چون سند مزبور در دفاع از موکل خلیل طهماسبیان مورد کمال لزوم است خواهشمند است گواهی مرحمت فرمائید رونوشتی از



ادله مزبور که در پرونده دادیاری می باشد به اینجانب بدهند الخ .  
هیئت دادگاه با توجه به مراتب مندرجه در لوایح وکلای مرقوم و در نظر گرفتن این اصل اساسی که ادله دفاعی متهم باید حتی المقدور جمع آوری شود و به لحاظ اینکه اشعار شده که موارد درخواست در مقام دفاع از متهم مؤثر است مقرر می دازد آقای باز پرس اولاً با دعوت وکلای مرقوم و اخذ مشخصات پرونده های مورد استناد آنها را (که فوقاً) اشاره شده خواسته و پیوست نماید.  
ثانیاً — با اخذ توضیح از آقای صفاء حائری و ملاحظه پرونده متشکله در دادرسی تهران .... مشارالیه را در پرونده اتهامی خلیل طهماسبیان انعکاس دهد، و پس از انجام کلیه ....، ۵ برگ صورت مجلس نوشته شده پرونده بدون اظهار عقیده اعاده دهند — بدیهی است که .... با نظارت دادرسی استان انجام گیرد. محل امضاء هیئت دادگاه، رونوشت برابر اصل است ۳۰/۷/۷

<http://www.chebayadkard.com>



## بازجویی از شش مأمور حاضر در صحنه ترور رزم آرا \*

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

برگ بازجویی و صورت مجلس

بتاریخ ۳۰/۷/۲۵ برحسب وقتی که بمنظور اجراء دستور دادگاه عالی جنائی برای رفع نواقص پرونده خلیل طهماسبی داده شده بود در ساعت مقرر آقایان [۱-..] سر پاسبان ۲ محمد بیات ۲- لطیف طاهونی ۳- سر پاسبان ۲ مصطفی بازوکی ۴- سر پاسبان ۳ اسدالله فرخنده کلام ۵- پاسبان شماره ۱۶۷۵ غلامحسین حیدری ۶- پاسبان شماره ۱۹۸۱ فریدون محمدی حاضر و بطوری که از طرف شهربانی کل اعلام شده سرگرد رأفت به دامغان منتقل و نسبت به سایر احضار شدگان نوشته اند پس از ابلاغ احضاریه های آنها عودت داده خواهد شد، بنابراین از افراد حاضر بازجویی ذیل بعمل می آید.

ص - از سر پاسبان ۲ مصطفی بازوکی که هویت شما در پرونده منعکس است باتوجه به اینکه جریان روز حادثه قتل شادروان رزم آرا نخست وزیر وقت بطور دقیق اظهار نظر نمائید.

ج - من به اتفاق لطیف طاهونی که فعلاً حضور دارد و اللهیار جلیلوند اسکورت مخصوص محافظت مرحوم رزم آراء بودیم با لباس غیرفرم و دارای اسلحه والتر کمری

<http://www.chebayadkard.com>

• صفحات ۱۲۰۳ تا ۱۲۱۴ یا ۷۲۷ تا ۷۳۶ پرونده.



بودیم و همیشه با مرحوم رزم آراء بودیم که هرکجا میرفت ما با اتومبیل دیگری که آن هم مربوط به خود نخست وزیری بود در دنبال ایشان حرکت می کردیم، در صورت لزوم و مواقعی هم که پیاده حرکت می کرد و بما اطلاع میدادند همراه ایشان بودیم. روز واقعه مرحوم نخست وزیر از نخست وزیری بانفاق آقای علم وزیر کار سوار ماشین کادیلاک بودند و سمت مسجد شاه حرکت کردند، از طرف دفتر نخست وزیر بما اطلاع دادند و هر سه نفر با ماشین دیگری در دنبال ایشان حرکت کردیم، درب مسجد ایشان و آقای علم پیاده شدند ما سه نفر نیز پیاده شدیم، مرحوم نخست وزیر با آقای علم وزیر کار جفت هم بطوریکه وزیر کار در سمت دست چپ نخست وزیر قرار گرفته بود از پله ها صحبت کنان وارد مسجد شدند، ما سه نفر نیز پشت سر آن دو نفر در حرکت بودیم، بطوریکه بنده در سمت راست نخست وزیر در پشت سر او در حرکت بودم، و اللهیار جلیوند در سمت چپ بطوریکه عقب سر وزیر کار قرار گرفته بود، و لطیف طاهوتی بین من و جلیوند قرار گرفته بود، از دالان سمت راست مسجد وارد محوطه مسجد شدیم، در محوطه مسجد نیز عده پاسبان در دو طرف معبر ایستاده بودند و یک کوجه تشکیل بود و جمعیت هم خیلی زیاد بود که عده در توی مسجد بودند پشت سر پاسبانها از طرف که پشت بندی شده بود قرار داشتند و پاسبانهای توی مسجد هم در دو طرف بطوری صف کشیده بودند که بهم متصل بودند، و ما سه نفر بفاصله یکقدم عقب سر آنها وارد مسجد شدیم، و عقب ما هم عده از افسران شهربانی بودند، جلوتر از همه سرنیپ دانشپور بود که او را می شناختم، در این بین صدای تیر بلند شد، من بسمت دست راست متوجه شدم و دیدم یک نفر از این صف پاسبانها یک قدم خود را جلو گزارده بود اسلحه در دست اوست، تا خواستیم او را دستگیر کنیم تیر دوم و سوم نیز خالی شد، که من دو دستی دست قاتل را گرفتم، تصادفاً فشنگ چهارم گیر کرد و اسلحه را من از دست قاتل گرفتم که در همان حین دست و اسلحه او را گرفتم، جلیوند از عقب با او گلاویز شد، و طاهوتی هم دست و گلوی قاتل را گرفته بود، و من اسلحه را که از دست قاتل خارج کردم و به جیب راست خودم گذاشتم، در این حین یک نفر که او را شناختم با چاقو بر جیب من زد و منظورش این بود که اسلحه را بر باید که من متوجه شدم و از جیب خود در آوردم، و بعد در همان حین از عقب یک چاقو هم به کتف من خورد، و چون تمام توجه و مراقبت ما بمنظور اینکه قاتل فرار نکند توجهی به این ضربات نکردم و خلاصه تیر اول و دوم و سوم با سرعت تمام به پشت سر یکدیگر خالی شد که در تیر سوم نخست وزیر زمین خورد، در این بین چون اسلحه قاتل

بدمت من افتاده بود و پاسبانهای مأمور مسجد هم ما را نمی شناختند و لباس ما هم فرم نبود، ما سه نفری را محاصره نموده و گرفتند مردم هم مرا با مشت و لنگد میزدند، پاسبانها با باتون میزدند و چون ما دیدیم که قاتل از دست ما خارج شده بنا کردیم داد زدن که قاتل را بگیرد، و چون قاتل سرش مجروح شده بود و در حاک فرار بود او را گرفتند، ولی چون ما سه نفر خودمان را پاسبانها گرفته بودند و دست رسی نداشتم نفهمیدم که او را از کجا گرفتند، بعد من و جلیلود را پاسبانها بوسیله جیب شهربانی بردند، ولی نفهمیدم طاهونی را به کجا بردند، و در همان حین که مرا با جلیلود پاسبانها گرفته بودند و از حیاط مسجد می بردند، اسلحه من و جلیلود و اسلحه قاتل که در دست من بود گرفتند، و عدد اشخاص غیر فرم که در مسجد بودند ما سه نفر را قاتل معرفی می کردند، و هرچه ما فریاد می کردیم که کارت داریم و اسکورت مخصوص هستیم، پاسبانها قبول نمی کردند و به شهربانی بردند، در شهربانی رئیس شهربانی و رئیس کارآگاهی آمد و ما را شناخت، و من به کسی جرحی وارد نکردم و طهماسبی هم موفق نشد که بمن ضربه بزند، فقط دو ضربه از طرف اشخاص از پشت بمن وارد شد که یکی از آنها جراحت وارد کرد که دو بخیه خورد ولی ضربه دیگر کارگر نشد این جریان حادثه بود که عرض شد.

س - از لطیف طاهونی سؤال شد که با استحضار هویت شما که در پرونده محرز است موضوع حادثه مسجد شاه را صریحاً توضیح دهید و اظهارات سر پاسبان مصطفی بازوکی را شنیدید چه میگوئی؟

ج - اظهارات ایشان را که حضوراً شنیدم عین واقع است، و اقداماتی که من کرده ام اینست که در موقعیکه صدای تیر بلند شد و من متوجه سمت راست شدم و قاتل را دیدم که با اسلحه در دست دارد، از صف پاسبانها یک قدم بجلوآمده بود، برای دستگیری او فوراً دست انداخته گردن او را به زیر بغل خودم گرفته بودم که بازوکی اسلحه را از دستش بیرون آورد، و چون تقلا میکرد که از دست من و جلیلود که از عقب او را گرفته بود فرار کند با واکتر خود بانه و سر واکتر برش زدم که بی حال شود نتواند فرار کند، و جلیلود هم در همان حین با واکتر به میچ پایش زد که فرار نکند، در حین اینکه گردن قاتل در زیر بغلم بود و او تلاش میکرد که فرار کند نفهمیدم با چه آلانی بسم زدند که بیهوش شدم فقط این اندازه متوجه شدم که پاسبانی قاتل را بلافاصله گرفت و در همان اوان جلیلود را هم پاسبانها گرفته بودند بفاصله یکدقیقه بیهوش آمدم، دیدم جلیلود را پاسبانها





گرفته اند و یک چاقویی در دست قاتل است ولی نفهمیدم جراحی به کسی وارد کرده است یا نه، و من برای اینکه اظهارات مردم و جار و جنجال آنها که ما سه نفر را قاتل معرفی میکردند برای اینکه میباید قاتل فرار کند داد زدم که این شخص هم با ما شریک است و او را بگیرید، منظور همان طهماسبی بود، بهر صورت مرا بوسیله تا کسی پاسبانها به کلانتری ۸ بردند، وقتی به کلانتری وارد شدیم دیدم قاتل هم آنجا است، بعد از کلانتری ۸ مرا به شهر بانی بردند و در اداره آگاهی از من تحقیق کردند و بعد سرم را هم پانسمان کردند این بود جریان قضیه. امضاء

خطاب به آقای مصطفی بازوکی اظهارات لطیف طاهونی را شنیده تصدیق می کنید یا خیر؟

ج - تا آنجا که اظهارات مشارالیه تا ورود به مسجد و گرفتن قاتل بود که باهم بودیم صحیح است و اختلافی ندارد و چون مرا علیحده به شهر بانی بردند با جلیلودم بودم از بردن ایشان به کلانتری و بعد بشهر بانی چون با او نبودم دیگر اطلاعی ندارم. امضاء

در این موقع نیز اللهیار جلیلودم سر پاسبان ۲ وارد شد و از مشارالیه ذیلاً بازجویی میشود.

س - با استحضار از هویت شما [که] در پرونده محرز است، اظهارات سر پاسبان مصطفی بازوکی و لطیف طاهونی - را - شنیدید، چنانچه درباره گفتار آنان هر اظهاری دارید به نمائید.

ج - جریان واقعه حین حرکت از نخست وزیری تا ورود به مسجد و وقوع حادثه صحیح است و عین واقع می باشد و موقعیکه وارد مسجد شدیم من سمت دست چپ نخست - وزیر - پشت سر وزیر کار بودم، وقتیکه صدای تیر بلند شد، متوجه سمت راست شدم دیدم یک نفر از صف پاسبانها جلو آمده که یک پای او در جلوی پاسبانها قرار گرفته و یک پای دیگرش عقب سر پاسبانها بین جمعیت می باشد، بقوری برگشتم بطرف او، هنوز به او نرسیده بودم تیر دوم و سوم هم بلافاصله خارج شد من از عقب او را بغل کردم و مصطفی بازوکی میج او را گرفت و اسلحه را از دستش درآورد، در این موقع پاسبانها و یکمده شخصی از طرف جمعیت بطرف ما حمله ور شدند که قاتل را از دست ما بگیرند، در این میان پاسبانها ما سه نفر را محاصره کرده بودند و قاتل هم بین ما سه نفر بود و پاسبانها بتا کردند ما را کتک زدن و چون من جلوی پاسبانها قرار گرفته بودم ایراد



ضربی بمن وارد نشده و فقط باتون پاسبانها بمن میخورد ولی جراحی یمن وارد نشد و برای اینکه قاتل فرار نکند با نوک اسلحه کمری خودم به میچ پای قاتل زدم که فرار نکند، بالاخره پاسبانها پس از کتک کاری زیاد من و پازوکی را گرفته و در آن حین وسط جمعیت تیمسار دانشپور رئیس پلیس وقت را دیدم و او را شناختم، و چون حدس داشتم که مبادا قاتل در این بین فرار کند، داد زدم تیمسار بجای قاتل ما را گرفته اند نگذارید قاتل فرار کند، بهر صورت وهله اول قاتل — را — از دست ما سه نفر پاسبان ها گرفتند، در وهله دوم دیگر چون ما بیحال بودیم و از طرفی هم گرفتار پاسبانها بودیم تفهیم چه شد، بعداً من و پازوکی را پاسبانها بوسیله جیب به شهربانی بردند، در آنجا تیمسار ایروانی و رئیس کارآگاهی ما را شناختند، بعد رئیس آگاهی از من تحقیقات نمود، و من تمام علائم و آثار قاتل را به او گفتم، و وقتی که به اطاق آگاهی وارد شدم دیدم قاتل کذائی در آنجا روی صندلی نشسته است که آقای یاز پرس از من شروع به بازجویی کرد، اینست جریان قضیه که عرض شد. امضاء

چون بین اظهارات سه نفر مصطفی پازوکی و لطیف طاهونی و اللهیار جلیوند نسبت به گفتار هر کدام اختلافی موجود نبود پاسخ های هر یک به امضاء رسید. و در این وقت سر پاسبان عبدالحمین رحیمی رسید.

س — از سر پاسبان ۳ امده الله فرخنده کلام سؤال، یا استحضار از هویت شما که در پرونده محرز است، لازم است جریان مشروح واقعه قتل شادروان نخست وزیر رزم آرا را بطور حقیقت و وضوح شرح فرمائید.

ج — در ساعت ۸ صبح روز واقعه بدستور آقای سرهنگ وانقی فرمانده آموزشگاه پاسبانی تعداد ۵۰ نفر کارآموز به سرپرستی اینجانب به شهربانی کل کشور اعزام شد، و در شهربانی به دستور افسر نگهبان نیروی احتیاط به مسجد شاه اعزام گردید، اول در خارج مسجد برای انتظامات ایستاده و مشغول انجام وظیفه بودیم، و بعداً بدستور رئیس کلانتری بخش آقای سرهنگ مهاجر تعداد ۵۰ نفر کارآموز را در داخل مسجد یعنی در صحن حیاط دو صف از درب ورودی حیاط سمت راست تا درب ورودی مجلس ختم دو صف روبروی هم مانند یک کوچه ایستاده بودیم که اول رئیس شهربانی وقت که آقای سرتیپ دفتری عهده دار بودند وارد مسجد شد (داخل صحن) و از مجلس ختم بازدید کردند و بعداً تشریف بردند و ما هم اطلاع نداشتیم که نخست وزیر تشریف می آورند،

بعد از خروج سرتیپ دفتری رئیس شهربانی یک سرگرد شهربانی از دالان سر پوشیده اشاره با دست به پاسبانان که به حالت خیردار بایستند، و اینجانب که درب ورودی حیاط مسجد سمت مغرب ایستاده بودم مشاهده شد که جناب آقای نخست وزیر و دوسه نفر شخصی و چند نفر افسر که در پشت سر ایشان قرار گرفته بودند وارد صحن حیاط شدند، و چند قدمی که از درب ورودی حیاط داخل صحن حیاط شدند که یک مرتبه صدای یک گلوله بگوش من رسید، و چون بحالت خیردار ایستاده بودم سرم را به چپ برگرداندم، مشاهده کردم که یک نفر که همان ضارب و یا قاتل باشد دو تیر دیگری پشت سرهم تیراندازی کرد و این مأمورین کارآگاهی که مسئول حفاظت نخست وزیر بودند دور قاتل را گرفتند، و یکی از آن مأمورین کارآگاهی که مسئول حفاظت نخست وزیر بودند با اسلحه ضربه محکمی به سر قاتل وارد آورد و خون از سرش جاری شد، در همین حین که مأمورین کارآگاهی که با نخست وزیر بودند با لباس غیر قرم از جیبشان اسلحه بیرون آوردند و چون پاسبانها که در آنجا حضور داشتند از این مأمورین کارآگاهی مشکوک شدند و آنها را بعلت عدم شناسائی دستگیر کردند و در همان حین ضارب اسلحه اش گیر کرده بود و یکی از مأمورین کارآگاهی اسلحه را از دستش گرفته بودند و قاتل یک دهنه در دست و به پاسبانها که دور او را احاطه کرده بودند که دستگیرش نمایند حمله ور شد، در آن حین حسین فریدون محمدی که در جلوی قاتل میخواست قاتل را دستگیر کند، قاتل به او حمله کرده و ضربه محکمی با کارد به پاسبان مزبور به سرش زد و خون جاری شد، و یک کارد دیگر هم به غلامحسین حیدری پاسبان زده و چون فاصله آنها کم و زیاد بود فقط به لباس غلامحسین حیدری اصابت کرد و بدنش را مجروح نکرد، در همان موقع چون حمله قاتل شدید بود و پاسبانها هم بغیر از باتون چوبی چیز دیگری همراه نداشتند قاتل فرار اختیار کرد و از درب غربی مسجد شاه که وارد به بازار میشود فرار کرد، و در توی بازار توسط اینجانب... [و] غلامحسین حیدری و فریدون محمدی دستگیر و به کلانتری ۸ جلب گردید، و در کلانتری در حضور افسر نگهبان بازدید بعمل آمد و یک کارد و یک شیشه عطر و یک قرآن کوچک بغلی و یک کاغذ کوچک بسته از جیبش خارج و تحویل افسر نگهبان کلانتری ۸ گردید، و گزارشی هم توسط اینجانب به کلانتری داده شد، این جریان کامل آن که حضور داشتم. امضاء

<http://www.chebayadkard.com>

من — از سه نفر عبدالحسین رحیمی پاسبان و غلامحسین حیدری و فریدون محمدی سؤال شد که اظهارات صفحه ۹ سر پاسبان ۳ اسدالله فرخنده کلام را شنیدید چه میگوئی؟

ج — اول عبدالحسین رحیمی: اظهارات سر پاسبان ۳ اسدالله فرخنده کلام را شنیدم، تماماً عین واقع است و پس از اینکه صدای تیر بلند شد، یکی از اشخاصی که در مسجد اسلحه در دست داشت من او را دستگیر کردم و معلوم شد لطیف طاهونی مأمور کارآگاهی بوده، و بعد هم یک جلد اسلحه در زمین افتاده بود برداشتم و آن را هم بردم به کلانتری تحویل دادم، و اینکه طاهونی را بنده دستگیر کردم این بود که دیدم به طهماسبی ضربه وارد کرد و اسلحه هم در دست داشت، روی سوه‌ظن او را گرفتم، بعد معلوم شد که مأمور کارآگاهی بوده است ولی دستگیری قاتل را اول نفهمیدم به چه وسیله گرفتند و خود لطیف طاهونی می گفت من مأمور کارآگاهی هستم و تیمسار دانشپور هم شنید این اظهار — را —، ولی گفت او را نگهدارید تا بعداً معلوم شود. امضاء

سؤال از غلامحسین حیدری — اظهارات سر پاسبان ۳ اسدالله فرخنده کلام را

شنیدی چه میگوئی؟ <http://www.chebayadkard.com>

ج — اظهارات سر پاسبان نامبرده را شنیدم و عین واقع است، چون من نفر اول صف درب ورودی مسجد که پانزده قدم با محل حادثه فاصله داشت ایستاده بودم، پس از تیراندازی به محل واقعه رفتم دیدم پاسبانها در سه قسمت سه نفر را محاصره کرده بودند، و هر سه هم مدعی بودند که ما مأمور کارآگاهی هستیم، و یکی از آنها که بعداً معلوم شد قاتل حقیقی است با اغفال پاسبانها فرار و جلوی درب ورودی بازار بزازها در حالیکه یک دشنه در دست داشت با حمله به پاسبانها فرار میکرد، بنده چون حمله او را و همچنین زخمی شدن پاسبان محمدی بوسیله او و فرار قاتل را مشاهده نمودم بمعیت سر پاسبان فرخنده کلام و فریدون محمدی او را تعقیب و جلوی بازار زرگرها موفق به دستگیری او شدیم، و پس از تحویل به کلانتری — و رفتن به آموزشگاه جهت دادن گزارش، در توی ماشین با تذکر یک نفر که چرا روی یقه ات پاره است متوجه شدم قاتل با ضربه همان کارد روی سینه چپ بنده را هم پاره کرده بود که منجر به جراحت نگردیده بود، این بوده اطلاع و جریان قضیه. امضاء

ج — فریدون محمدی پاسبان: اظهارات سر پاسبان ۳ اسدالله فرخنده کلام را



شنیدم تماماً عین واقع است و موقعیکه صدای تیر بلند شد، سه نفر را که پاسپانها گرفته بودند و آنها می گفتند مأمور آگاهی هستیم و این شخص را بگیرید که قاتل او است، و من دیدم که یک نفر از دست آنها فرار کرده میدوید، من او را تعقیب نموده و از پشت دست انداخته یقه او را گرفته و با دست چپ بیضه او را گرفته، یعنی با دست چپ یقه او را گرفتم و با دست راست بیضه آن را، و سرش هم در زیر بغل دست راست من واقع شده بود، در این حین با کارد به سمت چپ سر من زد که به گلو اصابت و بعداً بمرم هم سرایت کرده که ۱۷ روز بستری بودم. پس از اصابت کارد و لگدی که از پشت نفهمیدم چه کسی به کمر من زد بزمین خوردم و باز قاتل فرار کرد که دوباره از زمین برخاستم، و در همان موقع فرخنده کلام و حیدری در تعقیب او بودند، جلوی بازار زرگرها او را گرفتیم و تحویل کلانتری دادیم و کلاه من هنوز در منزل موجود است، امضاء.

س - شما ضمن اظهارات خود گفته اید که با ته والتر به سرم زده است، در جلسه دیگر گفته اید با کارد زده است کدام یک از اظهارات شما مقرون به حقیقت میباشد؟ بهتر اینست که راستی را بیان کنید.

ج - در جلسه اول که از من تحقیق کرده اند من بحواس نبودم ولی در جلسه بعد که حالم بهتر بود اظهار کردم که با کارد زده است، و حقیقت قضیه هم همین است که با کارد زده است، و کلاه هم گواهی - قضایا - است و دکتر هم گواهی داده است و اگر با والتر زده بود ممکن نبود کلاه من با آن ضخامت سوراخ شود و بمرم هم اصابت نماید، و من منظوری ندارم که بخواهم برخلاف واقع اظهاری کنم، امضاء.

س - از سر پاسپان محمد بیات، لازم است مشاهدات خود را در روز واقعه قتل مرحوم رزم آرا شرح دهید.  
<http://www.chebayadkard.com>

ج - بنده مأمور محفظه جلوخان مسجد شاه بودم، بعد از تشریف بردن مرحوم رزم آرا به توی مسجد صدای سه تیر آمد، بنده دیدم مردم هم فرار می کنند، بعد رفتم توی مسجد دیدم دو نفر را گرفته اند آنها را با باتون میزنند که اسلحه آنها را بگیرند نمی دهند، و بعد یک اسلحه فتحعلی بیگی نام پاسپان ناحیه ۸ در همانجا داد بمن و بعد آقای سرگرد محبوبی رئیس انتظامات از من گرفت و فرمودند این اسلحه مال قاتل است، بعد از یک ربع علی مردان پاسپان ناحیه ۸ یک عدد پوکه فشنگ پیدا کرد داد بمن، او را هم دادم به آقای سرگرد محبوبی، این بود مشاهدات بنده. امضاء







وزارت دادگستری

شماره ۳

پرونده جنونی و صورت مجلس

شماره

دادخواست کننده	دادخواسته	تاریخ	مردودان	پرونده
...	...	روز ... ماه ۱۳۳۳	...	...
<p>دست در سینه اوله گرفت جلدونه از عقب ؛ رو که در زنده بود و در ظاهر فرقی دست          و در آن وقت که گرفت بر روی اسلحه را که نداشت کائنات صلح کردم در آن          راست بود که در آن وقت که در این حال که نداشت فتم ؛ جانور جیب من نبود          و سندش این بود که اسلحه را بریده کس من میگویم شوم دراز جیب خود میداد و در          دیده در میان من از عقب بر جانور که به کتف من میخورد و در آن تمام ترجمه          و پیغمبر را که قاتل خوانده و همین بودی غایت حکم و مندرجه شیر اول و من          در آن با برکت آسم ؛ پشت سر کله من خفته بود که در آن تمام کتف و زیر پیر          خود در این بین چون اسلحه قاتل است من آنرا برداشتم و در آن تمام اسلحه را          فرستادم و در آن تمام نبود و من در آن تمام ؛ و کتف من که در آن تمام          و کله من فرود ؛ با تمام من فرود ؛ و چون دیدم که قاتل در دست ؛ من          نیکویم گفتند که قاتل را کینه ؛ و چون قاتل من را میخواست و در آن تمام          برداشتم و در آن تمام ؛ و من فرود ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛          که اوله نداشت که کتف من و جلدونه را ؛ و در آن تمام جیب من ؛ و در آن تمام ؛          نفع من ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛          کتف من ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛          اسلحه فرود ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛          تمام است در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛ و در آن تمام ؛</p>				





تاریخ

وزارت اطلاعات

برکات جوتی و صورت مجلس

شماره

شماره پرونده	تاریخ	موضوع	خواسته	دادخواستنده	دادخواست خوان
	۱۳۳۰	دادخواست			
<p>این دادخواست در شهر کابل در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۱ در دفتر دادگاه عمومی کابل ثبت گردید. خواهنده در این دادخواست خواسته کرده است که در خصوص موضوع این دادخواست اقدامات لازم را در جهت احقاقیک امر مذکور در این دادخواست انجام دهد. خواهنده در این دادخواست خواسته کرده است که در خصوص موضوع این دادخواست اقدامات لازم را در جهت احقاقیک امر مذکور در این دادخواست انجام دهد. خواهنده در این دادخواست خواسته کرده است که در خصوص موضوع این دادخواست اقدامات لازم را در جهت احقاقیک امر مذکور در این دادخواست انجام دهد.</p>					





وزارت دفاع

برک باجی و صورت مجلس

۷

ردیف	موضوع	تاریخ	خواسته	توضیحات	امضاء
۱	...	۱۳۳۳	...	...	...

مجلس شورای دفاع ...

در جلسه مورخه ...

حاضرین ...

غایبین ...

موضوع ...

مقرر شد ...

اینک ...





وزارت واکشتری

یروشپازجویی و صورت مجلس

شماره: ۴

ردیف	جزوه نام	تاریخ	موضوع	ملاحظات	دادخواست	دادخواست
		۱۳۳۰	۱			
<p>در این جلسه به اسرار فرزند محمد اسرار شندی چه میگوید</p> <p>از این عین دقایق میسر است اظهارات سرایان که در اسرار فرزند محمد اسرار شندی</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p> <p>در این عین دقایق است و این را باید در نظر گرفت که در فرزند محمد اسرار شندی در این</p>						





وزارت دادگستری  
تلفن: ۰۲۱۷۷۷۷۷۷۷

برای اطلاع جوی و صورت مجلس

شماره پرونده	شماره دادنامه	تاریخ	موضوع
		۱۳۳۳	

این پرونده در خصوص اتهامات ...  
در تاریخ ... در دادگاه ...  
با حضور ... و ...  
و ...  
و ...

در تاریخ ... در دادگاه ...  
با حضور ... و ...  
و ...  
و ...

در تاریخ ... در دادگاه ...  
با حضور ... و ...  
و ...  
و ...

در تاریخ ... در دادگاه ...  
با حضور ... و ...  
و ...  
و ...





### متن بازجویی از پاسبان جهانگیر کاوه حقیقی \*

در تاریخ ۳۰/۸/۲۰ یکی از پاسبانها بنام جهانگیر حاضر و بشرح زیر تحقیق می شود.

س - با رعایت شرائط گواه بنام مطلع خود را معرفی نمایید.

ج - جهانگیر فرزند شیر شهرت کاوه، سن ۳۰ ساله، مواد دارم، شغل پاسبان شماره ۸۱۳ مأمور شهرستانی فعلاً در بخش ۱۰ خدمت می کنم، اهل شیراز، ساکن تهران، بخش ۸ خیابان مولوی کوچه لرامنه جنب گذرباشی، منزل حاجی عبدالله خان وهاب مرحوم، کاشی شماره ۸۰، امضاء.

س - شما یک مرتبه دیگر اطلاعات خود را در موقع دستگیری خلیل طهماسبی را در مسجد بیان کنید.

ج - بنده یک مرتبه در اداره آگاهی بازجویی داده ام که در روز وقوع "حادثه در مسجد مأموریت داشتم جهت حفظ انتظامات در توی حیاط مسجد در دو قدمی حوض، البته طرف شمالی حوض بود، ایستاده بودم یک مرتبه پس از ورود مرحوم رزم آرا صدای

• صفحات ۱۲۳۶ و ۱۲۳۷، و صفحات ۷۴۹ و ۷۵۸ بروند.

<http://www.chebayadkard.com>

•• در متن: وقوه.



تیری بگوشم خورد، متوجه سمت راست شدم، مشاهده کردم چند نفر مأمور دور یک نفر را گرفته اند و یک نفر پاسبان هم که بعداً بطوری که اظهار کردند محمدی بوده سرش مجروح شده بود، و شخص ضارب که بین مأمورین بود و یک قبضه کارد هم در دست داشت و بطرف مأمورین حمله می کرد، و مأمورین متفرق شدن و ضارب از سمت درب غربی مسجد متواری شد، بنده هم در تعقیب او رفتم، دم درب یک نفر پاسبان مأمور ایستاده بود، بنده صدا کردم این شخص را که فرار می کند بگیرد. پاسبان در تعقیب او رفت، و من هم در تعقیب هردو آنها رفتم. سر سه راه بازار زرگرها که نزدیک درب مسجد بود، پاسبان جلوثی او را گرفت، و من هم رسیده یک طرف او را گرفتم. در تعقیب ماها هم چند تن پاسبان دیگر رسیدند، با کمک یکدیگر او را بردیم به کلانتری، و در کلانتری پس از بازرسی بدنی کاردی که در دست داشت از جیب او بیرون آوردند و صورت مجلس تنظیم شد و قبلاً هم در آگاهی همین اطلاعات و عملیات خود را تذکر دادم، امضاء.

س - آن پاسبانی که مأمور درب غربی بود که در توی بازار سه راه زرگرها ضارب را گرفت، و شما هم بعداً به کمک او رسیدید، اسم او را بیان کنید کدام پاسبان بوده است [؟]

ج - چون مدتی است از وقوع قضیه می گذرد نام پاسبان را درست بخاطر ندارم، ولی البته آن پاسبان هم گزارش داده است و مأمور کلانتری ۸ بوده است، این بود اطلاعات بنده، امضاء.

<http://www.chebayadkard.com>



## متن بازجویی از پاسبانان علی قلی فتحعلی بیگی، دلاور صفری و قدرت الله\*

در تاریخ ۳۰/۸/۲۷ فتحعلی بیگی پاسبان حاضر و بشرح زیر بنام مطلع تحقیق می شود.

س - با رعایت شرایط گواه خود را معرفی نمایید.

ج - علی قلی فرزند محمدعلی شهرت فتحعلی بیگی، سن ۳۲ ساله، سواد دارم، شغل پاسبان شماره ۱۳۵۷ مأمور کلانتری بخش ۸، اهل خلجستان قم، ساکن تهران بخش ۶ خیابان غار کوچه معصومی منزل جهانبخش گاودار، کاشی ندارد.

س - اطلاعات خود [را] صریحاً راجع به موضوع قتل مرحوم رزم آرا که در روز وقوع در مسجد بودند شرح دهید.

ج - در روز مزبور بنده باتفاق چند نفر دیگر سر پاسبان و پاسبان و افسر از کلانتری ۸ مأمور مراقب جلو خان بزرگ که طرف خیابان بوذرجمهری است شدیم. موقعی که مرحوم رزم آرا وارد جلو خان شده و بعد بطرف صحن مسجد رفتند، پس از چند دقیقه صدای تیر بلند شد، و در این موقع یک مرتبه جمعیت که صف کشیده بودند بهم

<http://www.chebayadkard.com>

ه صفحات ۱۲۴۳ و ۱۲۵۲ تا ۱۲۵۵، یا ۷۶۴ و ۷۷۴ تا ۷۷۷ بروند.

ریخت و شلوغ شد. ما هم رفتیم توی مسجد، و درب را از توی مسجد بستیم... وقتی که داخل صحن مسجد شدم دیدم صحن حیاط شلوغ است و جمعیت و پاسبانها همه به هم ریخته اند، و بعد مردم از طرف درهای دیگر خارج شدن، و بعد هم نعش مرحوم رزم آرا را در توی صحن حیاط دیدم، و بعداً ملاحظه کردم که یک عده از پاسبانان آموزشگاه شهربانی یک شخصی را در میان گرفته و با هم بجاده می نمایند. در این بین متوجه شدم شیشی در دست شخصی که در میان همان پاسبان آموزشگاه است می باشد، رفتیم به کمک آنها، دیدم اسلحه است که فوراً از دست او خارج کردم، و بعد سر پاسبان ۲ محمد بیات از دست من گرفت، اعضاء.

س - آن شخص را شناختید چه کسی بوده است [؟]

ج - خیر بنده نشناختم برای اینکه شلوغ بود و اسلحه را هم سر پاسبان نامبرده از من گرفت و پاسبانها هم آن شخص را از مسجد بردند بیرون، بنده هم در مسجد بودم تا اینکه پس از خلوت شدن مسجد و بردن جنازه از کلاتری مربوطه دستور دادن خارج شدیم، این بود اطلاع، اعضاء.

س - ذیل گفته های خود را چه می کنی [؟]

ج - اعضاء می گتم، اعضاء.

<http://www.chebayadkard.com>

یکی از ناسباتهای دیگر شماره ۲۳۹ حاضر است و بشرح زیر تحقیق می شود:

س - با رعایت شرایط گواه خود را معرفی نمائید.

ج - دلاور فرزند اسماعیل، شهرت صفری، سن ۳۱ ساله، سواد دارم، شغل مأمور کلاتری بخش ۸، اهل ساوه، ساکن تهران بخش ۶، خیابان خانی آباد، کوچه پخچال، منزل پاسبان حسین آقا، کاشی ندارد، از شرایط گواه مطلع شدم، اعضاء.

س - شما از موضوع وقوع حادثه قتل رزم آرا در مسجد شاه چه اطلاعی

دارید [؟]

ج - اطلاعات بنده اینست، در آن روز بنده باتفاق چند نفر دیگر از کلاتری مربوطه مأمور جلو خان مسجد شاه طرف خیابان بوذرجمهری بودیم. پس از ورود مرحوم رزم آرا بصحن مسجد ده دقیقه طول نکشید دیدم مردم از مسجد بطرف بیرون می روند. بنده گفتم چه خبر است [؟] عده [ای] که می آمدند بیرون اظهار کردند [؛] رزم آرا [را]

با تیر زدند. بعد یک سرگرد شهربانی به ماها دستور داد که وارد مسجد شوید و در [را] ببندید، و مردم را بیرون کنید. وارد مسجد شده و مردم [را] متفرق می‌کردیم. بعد پاسبانها که در آنجا بودند خبر دادند که قاتل را از جلوی بازار بزاها گرفتند و بعد بردند به کلانتری، و من هم برای مراقبت که مردم دنبال قاتل نیافتند باتفاق رفتیم به کلانتری، امضاء.

س - شما در موقع دستگیری قاتل حضور داشتید یا خیر [؟]

ج - نخیر، بنده حضور نداشتم، عرض کردم برای متفرق کردن جمعیت از بیرون مسجد آمدم تو، که بعداً اطلاع دادند قاتل را گرفتند، امضاء.

س - ذیل گفته‌های خود را چه می‌کنی [؟]

ج - امضاء می‌کنم، امضاء.

<http://www.chebayadkard.com>

در تاریخ ۲۷ / ۸ / ۳۰ یکی از پاسبان [ها] بنام قدرت‌الله، پاسبان شماره ۸۶۰ حاضر و بشرح زیر تحقیق می‌شود:

س - با رعایت شرایط گواه خود را معرفی نمائید.

ج - اهل و ساکن تهران، بخش ۶ خیابان باغ فردوس، مقابل ورزشگاه، توی خیابان منزل شخصی، کاشی خاطر من نیست، امضاء.

س - شما در روز وقوع قتل مرحوم رزم آرا در مسجد شاه بودند یا خیر [؟]

ج - بله بنده بودم در آن روز مأمور توی مسجد بودم، امضاء.

س - اطلاعات خود را صریحاً توضیح دهید.

ج - در آن روز بنده مأمور توی حیاط بقل چادری که جلوی درب نمازخانه زده بودند بودم، و محافظت آنجا را می‌کردم. یک مرتبه مرحوم رزم آرا وارد مسجد شد، و اول به جمعیت تعظیم نمود، و همینطور که داشت بطرف جلو می‌آمد بنده خودم را جمع‌آوری کرده، یک مرتبه دیدم صدای تیر بلند شد. یک مرتبه رزم آرا دستش را بطرف جیبش برد، تیر دوم که خالی شد بر زمین خورد.

در آن بین یک نفر شخص کت سفید، و یک نفر کت سیاه رنگ پرید به آن شخصی که تیر انداخت، و پاسبانها هم چون همگی جدید بودند و هیچ کس را نمی‌شناختند ریخته بودند دور آن دو نفر مأمور آگاهی و شخص قاتل، وضعیت مسجد



خیلی شلوغ شد و بهم خورد. یک وقت من دیدم که قاتل دارد فرار می‌کند، بنده دویدم می‌گفتم بگیرید، خود قاتل هم می‌گفت بگیرید و فرار می‌کرد. من از عقب او می‌دویدم، و جهانگیر پاسبان که دم در بود به او هم گفتم بگیرید، جهانگیر هم حمله کرد که او را بگیرد، یک نفر پاسبان هم در پست بازار بود او هم به جلو آمد و به قاتل حمله کرد، که در این بین سه چهار نفری او را گرفتیم، و وقتی که او را به کلانتری می‌بردیم قرآن قرائت می‌کرد، و در موقع گرفتن اسلحه دست او نبود و خنم شد دست برد کاری نفهمیدم از پای خود کشید یا از جای دیگر درآورد و گفت خائنین اسلام، که کارد را از دست [او] گرفتیم و او را به کلانتری بردند، یعنی جهانگیر، و با پاسبان پشت بازار و یکی دو نفر دیگر او را بردند به کلانتری، و من برگشتم مسجد که بینم که مرحوم رزم آرا چه شده، وقتی به مسجد برگشتم دیدم رزم آرا یک طرفی بزمین افتاده، و همانطور یک دستش به جیش بود و پاسبانها ریخته بودند سر آن یک نفر کت سفید، وقتی من رسیدم دیدم آن شخص کت سفید از مراقبین رزم آرا است که قبلاً او را در دژبان دیده بودم، ولی آن موقع نتوانستم چیزی بگویم، دیدم گوش نمی‌دهند و شلوغ است و خیال می‌کنند قاتل است، من هم کمک کردم او را به کلانتری بردم.

س سه پاسبان فریدون محمدی که سرش مجروح شده بود شما او را دیدید یا

خیر [؟]

ج - موقعی که قاتل را به کلانتری فرستادم و برگشتم به مسجد، در مسجد او را دیدم، ولی در موقع گلاویزی با قاتل ندیدم. این بود اطلاع من، امضاء.



### بازجویی از جواد دادخواه مقدس بعنوان مطلع

در تاریخ ۱۸/۹/۳۰ پاسیان ۱۸۹۷ مأمور کلانتری ۸ حاضر و بنام مطلع بازجویی میشود.

س - با رعایت شرایط گواه خود را معرفی نمائید:

ج - جواد فرزند حسن شهرت دادخواه مقدس ۳۰ ساله، سواد دارم، شغل پاسبان، مأمور کلانتری بخش ۸ اهل و ساکن تهران بخش ۸ خیابان حاجی ابوالفتح، کوچه شیشه‌نیاها متزل مید جواد گاوکش، کاشی شماره ۲ از رعایت مقررات مطلع شدم و ملتزم به راستگویی میباشم.

س - شما در روز حادثه قتل مرحوم رزم آرا در کجای مسجد مشغول انجام وظیفه بودید و قضیه را صریحاً توضیح دهید.

ج - بنده در آن روز جلوی جلوخان بزرگ مسجد واقع جنب خیابان بوذرجمهری مشغول انجام وظیفه بودم، پس از ورود مرحوم نخست وزیر به مسجد به فاصله دو دقیقه دیگر صدای تیر بلند شد، بعد آقای سرهنگ مهاجر که رئیس کلانتری ۸ بود از توی مسجد آمد به ما اطلاع داد که بیائید توی مسجد و جلوی در بایستید، و جلوی مردم را بگیرید که کسی دیگر توی مسجد نیاید، و بنده ابدأ از قضیه خالی شدن تیر و چگونگی [آن] اطلاع پیدا نکردم، و همینطور جلوی در بودم تا وقتی که جنازه نخست وزیر را از مسجد خارج کردند، این است اطلاع بنده، امضاء.

<http://www.chebayadkard.com>



### اظهارات ستوان یکم کریم خالق پناه کارشناس فنی

در تاریخ ۳۰/۹/۲۳ به آقای ستوان یکم کریم خالق پناه که از طرف شهربانی بسمت کارشناس به این شعبه معرفی شده اند حاضر و اظهار داشتند که روز ۲۱ آذر به علت رژه ارتش و حفظ انتظامات جلوی مسجد نتوانستم حضور پیدا کنم، امروز حاضر شدم و از طرفی چون اسلحه مورد تطبیق از طرف اداره آگاهی ارسال نشده است بنابراین تجدید وقت میشود برای روز ۳۰/۹/۲۷ ساعت ۹ صبح، و حضوراً وقت به ایشان تبلیغ شد و شرحی هم به آگاهی نوشته شد که اسلحه را بفرستند.

۳۰/۹/۲۳ امضاء

دفتر پرونده را بنظر ریاست دادسرای شهرستان برسانید که نماینده خود را برای حضور در معاینه اسلحه کمری معرفی فرمایند.

۳۰/۹/۲۷ امضاء

<http://www.chebayadkard.com>

### آقای شجیمی دادیار

خواهشمند است بتأمیندگی دادسرا در جلسه معاینه سلاح کمری با توجه به قرار دادگاه جنابعالی شرکت فرمائید، از طرف داستان، امضاء ۳۰/۹/۲۷  
در تاریخ ۳۰/۹/۲۷ در ساعت مقرر سرکار ستوان یکم آقای کریم خالق پناه کارشناس اداره فنی شهربانی حضور بهم رسانیده و آقای عباسقلی فروتن کارمند شعبه



اول اداره آگاهی نیز اسلحه کمری متهم را که شماره آن ۲۸۰۷۸۴ (توضیح اینکه رقم چهارم از سمت راست یعنی صفر عدد مزبور در سه قسمت:

۱- شکاف درجه،

۲- روپوش کشانده،

<http://www.chebayadkard.com>

۳- بدنه،

چنین بنظر میرسد که رقم دیگری بوده، و بعداً تبدیل به صفر شده است)، که سیستم آن براونینگ بلژیکی، دسته آن معروف به دسته نشان، مستعمل (قابل استفاده) و نیز سه فشنگ با علائم اس. اف. ام. «S-F-M» ستاره نشان و یکعدد پوکه و شانه که مستعمل می باشد ارائه شد و آقای شجعی دادیار دادرسی شهرستان تهران به تمایندی دادسرا حضور دارند، و آقای سرهنگ ۲ فنی بهمن نامدار کارشناس فنی که از طرف ارتش مقرر شده بموجب ابلاغ شماره ۳۰/۹/۲۳ - ۲۲۱۷ دعوت شده حضور نرسانیده است، و برای اینکه تأخیری در جریان پرونده حاصل شود فعلاً اقدام به جلب نظر کارشناس میشود.

پاکت محتوی یک عدد گلوله که سه قسمت آن لاک و به مهر دادگاه عالی جنائی ممهور بود مشاهده و صحت لاک و مهر محرز و سپس پاکت با حضور آقایان نامبرده باز و در دسترس کارشناس فنی گذارده شد، و پس از معاینه دقیق و مشاهده پوکه فشنگ و گلوله مزبور نظریه خود را بشرح زیر به خط خود مینگارند (تشریفات کارشناسی انجام شد).

پوکه فشنگ که مارک آن با مارک سه عدد فشنگ دیگر مطابقت دارد و نیز گلوله موجوده در پاکت ممهور بدقت ملاحظه با توجه به خانهای اسلحه و اثرات آن در روی گلوله مورد بحث و بررسی کامل بنظر اینجانب محرز است که این گلوله متعلق بهمین پوکه می باشد، و نیز راجع به فرورفتگی قسمتی از انتهای گلوله چون معمولاً وقتی گلوله به هدف اصابت شود در صورتیکه هدف جسم سختی باشد البته گلوله تغییر شکل داده و حالت عمومی آن بکلی تغییر می نماید، ولی گلوله مورد معاینه به جسم سخت برخورد نکرده و فرورفتگی انتهای آن را نمیتوان مشخص نمود که در اثر چه عاملی ایجاد شده است.

امضاء خالق بناه

۳۰/۹/۲۷

در این موقع اسلحه ارسالی با سه عدد فشنگ و یک عدد پوکه و شانه اسلحه عیناً به آقای عباسقلی فروتن تحویل و گلوله در پاکت گذارده و به مهر شعبه بازپرسی در سه قسمت مهور و لاک گردید.

امضاء: نماینده دادسرا

دادیار

۳۰/۹/۲۷

نماینده آگاهی: فروتن

بازپرس شعبه ۱

دقتاً وقت دیگری تعیین و مجدداً کارشناس فنی ارتش احضار شود.

امضاء بازپرس شعبه ۱

۳۰/۹/۲۷

<http://www.chebayadkard.com>

آقای بازپرس - اقدام شد مقرر ۳۰/۱۰/۵ ساعت ۹ صبح.

### اظهارات سرهنگ ۲ نامدار بهمن کارشناس فنی ارتش

در تاریخ ۳۰/۹/۳۰ آقای سرهنگ ۲ نامدار بهمن کارشناس فنی ارتش و آقای شجعی نماینده دادستان تهران و آقای یدالله کاظمی کارمند اداره آگاهی اسلحه مورد منظور را با شانه و پوکه حاضر نموده و پس از معاینه دقیق شرح زیر اظهار نظر مینماید:

در این موقع پاکت محتوی گلوله از پرونده خارج و پس از ملاحظه مهر و لاک آن و صحیح بنظر رسید، گلوله از پاکت خارج و در دسترس کارشناس حاضر گزارده شد و پس از تطبیق گلوله موجوده در پرونده با پوکه که از طرف کارمند شهربانی با سه عدد فشنگ دیگر ارائه گردید، آقای کارشناس نامبرده عقیده خود را بشرح زیر (صفحه ۲۸) با خط خود متگارد با انجام تشریفات کارشناسی:

در تاریخ ۳۰/۹/۳۰ اینجانب سرهنگ ۲ فنی نامدار بهمن در شعبه ۱ بازپرسی طهران حاضر و پس از بررسی اسلحه کمر [ی] براونینگ و یک عدد پوکه خالی و یک عدد گلوله نتیجه بشرح زیر بدست آمد:

اسلحه کالیبر ۷/۶۵ و گلوله و پوکه هم مربوط به کالیبر همان اسلحه بود، یعنی گلوله کالیبر ۷/۶۵ و پوکه هم مربوط به همان گلوله می باشد.

امضاء سرهنگ ۲ فنی بهمن ۳۰/۹/۳۰



در این موقع اسلحه بانضمام سه عدد فشنگ و یک عدد پوکه به آقای کاظمی  
نماینده شهربانی تحویل و مجدداً گلوله به انضمام پاکت‌های مهوره سابق در پاکت  
دیگری ضبط و با مهر شعبه بازپرسی لاک و مهر گردید، و پاکت مزبور بوسیله بازپرس  
در همین محل امضاء و در پرونده بایگانی گردند.

امضاءها: نماینده دادسرا

کارشناس سرهنگ ۲ بهمن ۳۰/۹/۳۰

بازپرس شعبه ۱ نماینده آگاهی

(اعتمادی) ۳۰/۹/۳۰ کاظمی

دفتر - پیزو نامه‌ای که به دادسرا نوشته شده است شرح دیگری نوشته شود که  
تسریع فرمایند.

بازپرس شعبه ۱

۳۰/۹/۳۰



گزارش رئیس شهر بانی به دکتر مصدق

وزارت کشور

شهر بانی کل کشور

جناب آقای نخست وزیر

محرمانه - مستقیم

محترماً در تعقیب معروضه شماره ۲۸۲۸/د - ۳۰/۱۱/۱۳ بعرض میرساند مطابق گزارش اداره زندان در روز ۳۰/۱۱/۹ ضمن بازرسی مأمورین معلوم شد در حاشیه روزنامه مورخ ۴ بهمن (تهران تلگراف) که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن مهندس گرانپایه است و برای خلیل طهماسبی فرستاده شده به اعضای سید احمد هاشمی خطاب به خلیل طهماسبی بدین مضمون نوشته شده است (برادر عزیز آقای خلیل طهماسبی اگر صلاح بدانید اعصاب غذا کنید و اعلام بدارید بوسیله نامه) این روزنامه اخذ و برای ضبط در پرونده مربوطه به اداره آگاهی تجویز شده است، مراتب استحضاراً معروض گردید.

رئیس شهر بانی کل کشور - سرلشکر کوپال

۲۸۶۶ - ۳۰/۱۱/۱۵ <http://www.chebayadkard.com>

رونوشت تعقیب شماره ۲۸۲۸/د - ۳۰/۱۱/۱۳ به وزارت دادگستری ارسال

میشود.

از طرف رئیس شهر بانی کل کشور - سرتیپ درخشان



یادداشتی دال بر انتخاب دکتر عیسی سبهیدی از سوی مرحوم خلیل طهماسبی  
بمنوان وکیل مدافع و پذیرش نامبرده

تاریخ ۲ شنبه ۵ فروردین ۱۳۳۱

بنام خدای توانا

ریاست محترم دادگاه عالی جنائی شعبه اول

بدینوسیله جناب آقای دکتر عیسی سبهیدی استاد دانشگاه را بعنوان وکیل مدافع خود به آن

دادگاه عالی معرفی می نمایم.

خلیل طهماسبی

امضاء: بنده خدا

خلیل طهماسبی

<http://www.chebayadkard.com>

جهت احضار خلیل طهماسبی مورد گواهی است.

افسر نگهبان بازداشتگاه کاخ ستوانیکم شریف زاده

امضاء ۳۱/۱/۵

ریاست محترم دادگاه جنائی شعبه ۱

۳۱/۱/۱۷

بدینوسیله قبولی خود را نسبت به وکالت آقای خلیل طهماسبی اعلام میدارم.

دکتر عیسی سبهیدی

امضاء



بسم الله الرحمن الرحيم  
 نام همراهی توانا  
 رهاست محترم دادگاه عالی جناب شعبه اول  
 بر سر کلبه جناب آقای دکتر عینی که بهر دستار  
 دستگاری را بعنوان وکیل مدافع خود آن دادگاه  
 عالی معرفی می نماید  
 در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۷  
 در کلاس محترم دادگاه فتنه شه ۱  
 بدین وسیله قوتی خود را نسبت برگزار آقای هاشم (نام نامشخص)  
 و کتبی که در دست است  
 در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۷



### متن بازجویی (۳۱/۶/۳۱) از مرحوم نواب صفوی

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

برگ بازجویی و صورت مجلس

صبح ۳۱/۶/۳۱ اینجانب طاقی باز پرس شعبه ۲۷ به زندان قصر آمده و با راهنمایی آقای سرهنگ ... گرجی به اطلاق آقای نواب صفوی (سید مجتبی نواب صفوی) آمده و درخصوص پرونده و اتهامات ایشان بازجویی میشود:

س - در موضوع اتهام خود به ارتکاب تحریک در قتل رزم آرا، نخست وزیر سابق - و نیز درخصوص اتهام خود به ارتکاب پاره کردن رونوشت قرار صادر از محکمه که برابر ابلاغ به عده از فدائیان اسلام به زندان آورده شده بودند، و نیز درخصوص اتهام خود .... در سال ۱۳۲۷ در اجتماعی که در بهارستان جلوی مجلس شده بود مردم را تحریک به ارتکاب جرم علیه مأمورین نموده و آنان را مضروب نموده اند با تذکر شرح اتهامات و مدارک اتهام هر جوابی دارید بیان کنید.

ج - در گذشته به تفصیل بیان گردید که حکومت‌های جاریه وقتی حکومتشان قانونی است و حق مداخله در امور ملت مسلمان ایران را داشته و دارند که مجری احکام اسلام باشند و به دلائل مذکور خود، چون از مجرای صریح و صحیح قانون منحرف شده‌اند حکومت و اعمالشان به هیچ وجه قانونی نبوده حق هیچگونه دخالتی در امور ملت مسلمان ایران ندارند. و نیز مأمورین آنها صرف نظر از اینکه برادران دینی ما هستند از نظر ... از طرف حکومت‌های غیر قانونی مذکور عملشان قانونی نبوده رسمیت ندارد. با توجه به این

<http://www.chebayadkard.com>



موضوع بطور خصوصی (نه بطور رسمی) پاسخ این سؤالات به اختصار بیان می گردد.  
زندان قصر، بیاری خدای توانا، سید مجتبی نواب صفوی.

و چون وقت تنگ است بروز دیگری محول می کنیم. بیاری خدای توانا، سید

مجتبی نواب صفوی. <http://www.chebayadkard.com>

بتاریخ ۳۱/۷/۱ به زندان قصر آمده و در اطاق آقای سید مجتبی نواب صفوی به  
بازجویی ادامه میدهد.

من - از آقای نواب صفوی - چون بقیه پاسخ خود را به روز بعد محول نموده  
بودید بنابراین نسبت به اتهامات خود هر اظهار و دفاعی دارید بیان کنید.

ج ۱ - هر سخنی قابل اعتبار نبوده، در پیش هر انسان عاقلی از آن پس .....  
استناد است که به براهین آن رجوع شود و گوینده آن از نظر اخلاق ..... گردد و قطعاً  
مردمان دروغگو و ..... به فساد اخلاق هیچگاه سخن کتبی یا شفاهی آنها قابل  
استناد هیچ ..... نیست، و انصافاً شک نیست که دستگاه آگاهی و مأمورین  
شهربانی معروفترین طبقات فاسد ایران به فساد اخلاق هستند، پس چگونه ممکن است  
گزارشات آنها ..... است ..... تشکیل پرونده شود ..... حکومتهای وقت همیشه با  
افراد برجسته با ایمان که با مفاسد آنها طبعاً در نبرد بوده اند با آنها ..... و دشمنی  
داشته اند، و این گزارش دهندگان هم مأمورین آن حکومتهای مغرض بوده اند و قطعاً  
مأموریت داشته اند که اغراض حکومت را در گزارشهای خود اعمال کنند، بنابراین نوع  
گزارشات در پیش انسان عاقل و منصف بی اعتبار است بخصوص ..... افرادی که از  
روی ایمان و علم با بی ایمانی و جهل حکومتها مبارزه و نبرد داشته اند ..... هم به این  
حقیقت

۲ - گویا این گزارش دهندگان و مأمورین قضائی که گزارش آنها .....  
ایرانی نیستند یا در ایران نبوده اند و سخنان مصدق و افراد جبهه ملی را در دوره شانزدهم  
که رسمی ترین سخنان مملکت است نشنیده اند و یا اخبار مجلس به سمع آنها نرسیده  
است و اگر بی خبر هستند خوب است به صورت مجلس جلسات اواخر دوره شانزدهم  
مراجعه کنند و تهدیدهای شخصی مصدق و افراد جبهه ملی را نسبت به رزم آراء به بینند و  
بینند که حتی در یک جلسه علناً گفته است با چاقوی کوچک قلمتراش او را خواهم  
کشت.



۳- و نیز آقایان گویا در ایران نبوده‌اند و در مدت بیش از یک سال متینگ‌ها و تظاهرات احزاب دولتی اعم از جبهه ملی و مجمع مسلمانان مجاهد و دیگران را ندیده‌اند که در تمام تظاهرات پیاپی خودبخود می‌بالیدند و به سر هم منت می‌گذاشتند که رزم‌آراء را کشته‌اند و ..... رزم‌آراء یکی از قهرمانان آنها بوده و از این قهرمانان بسیار دارند.

۴- نویسنده هر روزنامه یک نفر آدم است و سخنان یک نفری آنقدرها مورد استناد به مصالح بزرگی یا کوچکی نمی‌تواند واقع شود، مگر افرادی بر علیه خود گوینده ..... ناظر بر این مطلب است، اقرار عقلا علی الفهم جائز است اضافه بر این آیا آن یکنفر گواهی ..... است بر چیزی که گفته و آیا حاضر است که گواهی بدهد تا گواهی او پس از ..... صداقت گواه دلیل بر موضوعی شود .... خیر، قطعاً ..... که نوشته شد.

<http://www.chebayadkard.com>

۵- همان روزنامه‌ها را که آقایان می‌گویند روزنامه‌های دولتی اعم از باختر و شاهد و آتش و سیاست ما که در شماره‌های پیاپی خود از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ بخود می‌بالیدند و افتخار می‌کردند که رزم‌آراء را کشته‌اند و انگلستان را شکست داده‌اند یک به یک شاهد موضوعی است که اثبات می‌کند حقیقت مطلب از چه قرار است. بخصوص در موقع تبلیغ انتخاباتی به نفع نویسنده شاهد زهری نوشته بودند در اوراق تبلیغی خود صاحب قلم سخاوت رزم‌آرا کش یعنی زهری و ..... فعلی مجلس و حداقل این مطالب که در روزنامه‌های خود نوشته بودند و یا خواسته بودند ..... کنند کشته شدن رزم‌آرا و بقول خودشان شکست انگلستان را به کاشانی و مصدق و جبهه ملی و بخصوص این اخبار را که افتخار ..... در بسیاری از نوشته‌ها و مقالات اصرار ..... که از من و برادرانم سلب کنند و بخودشان منتسب نمایند بهتر دلیل روشنی است برای هر عاقل با انصافی که مطلب از چه قرار است.

ضمناً از آن برادر دینی یعنی آقای طالع می‌خواهم که برای جمع مدارک بیشتر که ملازم با انجام وظیفه شما است روزنامه‌های شاهد - باختر - سیاست ما - و آتش سال ۱۳۳۰ را از اول اردیبهشت ۱۳۳۰ تا آخر خرداد ۱۳۳۰ تهیه و ضبط فرموده مستند خود قرار دهند که شاهد مدعی ماست و نیز همین جرائد را از تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ تا آخر اسفند ۱۳۳۰ را تهیه و ضبط نمایند که آنها هم شاهد صدق مدعاست. همانطور که روزنامه‌های کذائی را که اشاره کرده بودند ..... تا اعترافات صریح

خودشان را ..... فاعده اقرار علی النفس مطالعه کرده و مطلب بر شما روشن شود.

۶ - و حداقل نتیجه که گرفته میشود اینست که هر دو روزنامه ..... روزنامه شاخص و معارض با هم واقع شده و نتیجه لژ هردو ساقط میشود و نوبت به اقرار علی النفس و دلیل دیگر میرسد که آن روزنامه‌ها دارای اقرار بر علیه نویسندگان و طرفدارانش می‌باشد، به اضافه اقرار بر صریح و اعترافات مذکور در دوره شانزدهم که دولت فعلی مصدق و افراد جبهه ملی در مجلس او رسمی‌ترین نقاط مملکت

۷ - مضافاً بر اینها خلیل طهماسبی متهم به قتل رزم آرا، صریحاً گفته است و در پرونده او موجود است که بهیچ دست و حزبی اتکاء نداشته و بستگی نداشته و از روی ایمان خود مبادرت به این عمل نموده است. بعلاوه اعلامیه در این خصوص داده که در روزنامه مذکور موجود است و فقط به کاشانی و مصدق در ضمن گفته‌ها و مصاحبه‌ها و جبهه ملی اظهار ارادت کرده است، و من و عقل من بسیار از این بزرگتر است که کشتن رزم آرا یا شکست دروغی انگلستان را که درحقیقت شکست نخورده است منتسب بخود بدانم، بلکه این افتخارات ... برای مغزهای کوچکی امثال آنهاست که افتخار می‌کنند و بخود می‌بالند که مذکور افتاد مهم است.

۸ - و کلاً جبهه ملی در دوره هفدهم ماده واحده کذائی معروف را که تصریح میکنند که قتل رزم آرا مربوط به عموم ملت ایران می‌باشد و خلیل طهماسبی باید آزاد شود اگر فرضاً کشته رزم آرا باشد به تصویب رسانیدند. این خود موضوع قتل رزم آرا را اگر بنای تعقیبی باشد و صحیح باشد تعقیب محرک آن نشان میدهد که منتسب بکجا خواهد شد، و اگر حقاً مربوط به ملت ایران است ماده مذکور در مجلس شورای ملی مملکت به تصویب اکثریت رسید که اثبات مطلب فوق را می‌کند، دیگر سراغ دیگران رفتن مفهوم نیست و جاهلانه است و اگر مجلس مجلس رسمی نبوده و کارش لغو و غیرقانونی است خوب است دادگستری یا مملکت خود را از این مجلس مجزا کند ..... که مجزا نکنند و مجلس را رسمی میدانند و پس سخن متناقض نسبت به سخنان رسمی مجلس گفتن و عمل متناقض یا عمل رسمی مجلس شورای ملی بسیار کودکانه و جاهلانه است، خوب است به این تناقضات کودکانه خاتمه داده شود.

۹ - عجیباً اگر بنا است سخنان روزنامه مستند چیزی واقع شود همه مردم ایران و تمام روزنامه‌ها بطور کل قتل رزم آرا را یک موضوع خوب ..... و تمام مردم بالاتفاق

که افراد و اعضای دادگستری هم که لامحاله جزء افراد مردم ایران هستند یکسال است بالا توافق فریاد می کنند مرده باد رزم آراء، زنده باد خلیل طهماسبی، من که از مردم زنده باد گو و مرده باد گو نیستم، خوب است همه زنده باد گوها و مرده باد گوها را می گرفتید و مزاحم میشدید و تعقیب می کردید و این هم محال است چون مردم یک مملکت قابل تعقیب بالا توافق نمی باشند و بقول دموکراسی مسلک ها مردم خود موجد حکومتند، و من بیاری خدا براه حق از روی عنم و ایمان میروم و ذره ناچیزی در برابر اشعه لطف بنی زوال خدا هستم که می خواهم مردم را تربیت و براه حق دعوت نموده و .... ده.

۱۰ - با مقدمات روشن بالا به دادگستری و اعضای دادگستری و آقایان برادران دینی ما که در هر کجا هستند و گزارش دهندگان و آنها که این گزارشها را ..... بفرمائید مطلب بسیار روشن است و بر شما پوشیده نیست، این قدر تشریفات خشک و فرمالیته بازی را تبعیت نکنید از این روش عجیب و مرسوم آور که برخلاف عقل و منطق و انصاف است با توجه به مطالب فوق از روی انسانیت خجالت بکشید.

۱۱ - گزارشاتی که راجع به خرداد ۲۷ و مخالفت با حکومت هژیر مستند قرار داده شده مشمول سخنان گذشته بوده قابل اعتماد و اعتبار نیست.

۱۲ - و نیز گزارش مربوط به پاره کردن حکم مذکور نیز از این قبیل است.

۱۳ - در خرداد ۱۳۲۷، محل اجتماع مخالفین هژیر و آن کسی که خود را مخالف هژیر قلمداد کرده بود منزل کاشانی و شخص کاشانی بود که امروز گرداننده حکومت فعلی است که با عرایض شخص او و مصدق و رفقای آنها این بازیهای کودکانه را برای اطفای شعله های سوزان حقیقت من ایجاد کرده اند، و این پرونده سازیها را نموده اند، خوب است این قضیه را از خود کاشانی و مصدق سؤال کنید، مضافاً بر اینکه حرکت جمعیت در روز مذکور از منزل کاشانی و پامنار بود.

<http://www.chebayadkard.com>

۱۴ - در حکومتهای جابر سابق سفری به ساری کردم، سه شب منبر رفتم، مردم را بسوی حق و خدا دعوت کردم، پرونده غیاباً برای من ساختند، حکم غیرقابل اجرائی که در آن گفته شده بود قابل اجراء نیست تا وقتی که مراحل بعدی قانونی را طی کند برای من ساختند، آن حکومتهای جابر در این باب بسیار نانجیبی کردند و اما حکم را اجراء ننموده و موفق به اجرای آن نشدند، و در آن هم قید قابل اجراء نیست را گذاشتند، اما این حکومت فعلی که عنوانش از آن جهت نام یافت و مردمی را بدتبالی خود انداخت

که خود را مبارز با حکومت‌های جابر سلف معرفی کرده بود، حکم غیرقابل اجراء جابرین سلف را در حق من اجراء کرد و تمام سخنان خود را که مبنی بر آزادیخواهی است تکذیب نمود و بعد از سه ماه که در زندان بودم همان حکم را به رؤیت من خواستند برسانند که امضاء نکردم و در آن نوشته بود که صریحاً قابل اجراء نیست و تا مراجل بعدی از اجراء آن خودداری گردد.

عجبا آقایان! مظاهر به جنگ با پشینیان سلف، حکم غیرقابل اجراء آنها را اجراء کردند و حائری شاه باغ دادستان کل وقت آن سید بزرگواری که زیر بار مظالم دستوری حکومت وقت نرفت و بالصراحه نوشت حکم مذکور نافذ نبوده بازداشت نواب صفوی مجوز قانونی ندارد با تمام سوابق خدمت قضائیش به خدمتش خاتمه دادند، اینک به مصدق و کاشانی و دوستانش بگویند پس است خجالت بکشید، و به مأمورین دولتان بگویند عمر خیانت کوتاه است، اطاعت ظالمین کم کنید.

۱۶ - من بنده ناچیز خدای عزیزم، که تنها بر آن هستم که براه او بروم و مردم را بسوی او و قانونش بخوانم و به مدارج عالی انسانیت برسانم و بیاری ذاتش به مفاسد و بدبختیهای بشر خاتمه دهم، خود و سخنانم صحیح‌ترین و قانونی‌ترین شاهد قابل بقاء و ترقی اجتماع هستیم، هر که بر غیر این است او غیرقانونی و غیرصحیح و غیررسمی است، خصوصاً با این فرض صحیح که در مملکت رسمی اسلامی زاده شدند، و من و برادران هموطنم شیر محبت اسلام و محمد و آل محمد نوشیده‌ایم و جز این منطق سخنی نداریم و جز این راه نخواهیم رفت که با شیر اندرون شد با جان بدر شود. اگر حکومت مردم بر مردم صحیح است بنابراین حکومتی که برخلاف اسلام عملاً رفتار نموده مروج فساد و مخرب اسلام است. حکومتش و اعمال حکومتش غیرقانونی بوده، خود و اعوانش قابل تعقیب جزائی و قانونی هستند، و اگر حکومت قانون است که حکومت بنیادش بر قانون اساسی نهاده و قانون اساسی پایه‌اش بر بنیاد اسلام نهاده شده به تفصیلی که بر شما پوشیده نیست، چون بجای اجرای قانون اسلام مروج کفر و ظلم بوده بتمام معنی عملاً مخرب اسلام است بایستی ..... و بدلیل اینکه مزاحم من و برادرانم که نماینده آرزوهای مقدس باطنی فرزندان اسلام و ایران هستیم ..... تهمت و جسارات گردد، اگر حساب است این است و اگر منطق است و قانون مطلب همین است که ذکر گردید، و اگر مصدق و کاشانی و اعوانش گویند که غیر از این است بیایند بخدمت من شرفیاب



شوند، تا به دلیل اثبات کنیم، بطوریکه اعتراف کنند که حق همین است لاغیر، و اینکه گفتیم شرفیاب شوند از نظر اینست که شرف بهمراه ایمان است که بحمدالله از لطف خدا نصیب من بسیار گشته است و آنان که بی نصیب اند با شرف همراه نیستند و یا شرفان از آنان دورند، و الا من در پیشگاه خدا و حقیقت و پیروان راه محمد و آل محمد ذره ناچیز غیر قابل بحث و ذکر، در خانه اگر کس است یک حرف پس است.

سخن بدینجا کوتاه می کنم و بشما و ..... برادران دینی وصیت میکنم که حقیقت را در دنیا بر شهوات اینها ترجیح دهید و بجز خدا و راه او هدف و راهی اعتماد نکنید و بکوشید تا لباس شرافت و انسانیت پوشید والسلام بیاری خدای توانا، سید مجتبی نواب صفوی.

س - بنام آخرین دفاع نسبت باتهامات خود اظهار دیگری دارید بنمائید؟

ج - مطلب بشرحی بود که اگر ..... احتیاجی به سخن فازه نیست، امید است مدارک مذکور را که فوقاً اشاره شد بدست آورید (روزنامه ها و صورت مجلس اواخر دوره شانزدهم بخصوص از اول تا حکومت رزم آراء) و خدا را فراموش نکنید و در راه حق شجاع و ثابت باشید، انشاء الله ...

س - اظهارات شما قرائت شد امضاء نمائید.

ج - امضاء کردم .... زندان قصر بیاری خدای توانا، سید مجتبی نواب صفوی. \*

<http://www.chebayadkard.com>

\* لازم بتذکر است که در ذیل تمام صفحات امضاء باز پرس و این جمله وجود دارد «بیاری خدای توانا سید مجتبی نواب صفوی».



وزارت داخله

برج بازرگانی و صورت مجلس

شماره ۱۶

ردیف	موضوعات	تاریخ	خواسته	ماده خود عمده	ماده خود اعلان
		۱۳۳	روز		

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در خصوص اعلام آمادگی برای پذیرش کلاسهای تخصصی در رشته های مختلف در سال تحصیلی ۱۳۹۳/۹۴ در مراکز آموزشی و پژوهشی وزارت داخله و در صورت لزوم در مراکز آموزشی و پژوهشی سایر وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی و غیره.

موضوع این اعلام آمادگی، پذیرش کلاسهای تخصصی در رشته های مختلف در سال تحصیلی ۱۳۹۳/۹۴ در مراکز آموزشی و پژوهشی وزارت داخله و در صورت لزوم در مراکز آموزشی و پژوهشی سایر وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی و غیره است. این کلاسها در رشته های مختلف و در سطوح مختلف برگزار خواهد شد. برای اطلاع بیشتر از شرایط و مقررات این کلاسها، خواهشمند است به وبسایت وزارت داخله مراجعه فرمایید.

این اعلام آمادگی در راستای سیاستهای کلی نظام و در جهت ارتقای سطح علمی و پژوهشی دانشجویان و محققان استوار خواهد بود. امید است با همکاری و مساعدت شما، این امر به خوبی انجام پذیرد.

با احترام و سپاس فراوان  
 محمد ترکمان

روزنامه خراسان، شماره ۱۳۹۳/۹۴





وزارت دادگستری

برس بازرگونی و صورت مجلس

شماره ۱۸

شماره ۱۸

دادخواستگان	دادخواستند	خواسته	تاریخ	جزوه ثان	پرونده
			روز ۱۳۳۰		

بخواند که در این خصوص تحقیق شده است و در این باره نتیجه آن اینست که در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۵ در وقت ظهر در محل وقوع جرم در آنجا حضور داشته و در آنجا مشاهده فرموده است که در آنجا یک نفر را مشاهده کرده است که در حال فرار است و در آنجا با او برخورد کرده و او را متوقف نموده است. در این خصوص تحقیقاتی صورت گرفته است و در این باره نتیجه آن اینست که در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۵ در وقت ظهر در محل وقوع جرم در آنجا حضور داشته و در آنجا مشاهده فرموده است که در آنجا یک نفر را مشاهده کرده است که در حال فرار است و در آنجا با او برخورد کرده و او را متوقف نموده است.

در این خصوص تحقیقاتی صورت گرفته است و در این باره نتیجه آن اینست که در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۵ در وقت ظهر در محل وقوع جرم در آنجا حضور داشته و در آنجا مشاهده فرموده است که در آنجا یک نفر را مشاهده کرده است که در حال فرار است و در آنجا با او برخورد کرده و او را متوقف نموده است.

در این خصوص تحقیقاتی صورت گرفته است و در این باره نتیجه آن اینست که در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۵ در وقت ظهر در محل وقوع جرم در آنجا حضور داشته و در آنجا مشاهده فرموده است که در آنجا یک نفر را مشاهده کرده است که در حال فرار است و در آنجا با او برخورد کرده و او را متوقف نموده است.

در این خصوص تحقیقاتی صورت گرفته است و در این باره نتیجه آن اینست که در تاریخ ۱۳۳۰/۰۵/۰۵ در وقت ظهر در محل وقوع جرم در آنجا حضور داشته و در آنجا مشاهده فرموده است که در آنجا یک نفر را مشاهده کرده است که در حال فرار است و در آنجا با او برخورد کرده و او را متوقف نموده است.







وزارت دادگستری

برجہ بازجوی و صورت مجلس

شماره

شماره

دادخواهان	دادخواستنده	خواسته	تاریخ	جزء و خان	پرونده
			روز		
<p>گنجان هر نفسی در بلور کجاست و صبح که غنچه حرکت آن نفس می دهد که غنچه در کجا می خوابد                      و گویا حق را طلب می کند در آن حالت که در روز در مجلس شورای عدالت با هیئت اکثریت مردم                      که از جانب طلب حق را بکنند و حق را بدین وسیله رعایت نمایند و این است که در این مجلس                      میسر می شود و در آن روز در آن مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      نیز خواسته شده که همانند در آن روز در آن مجلس نیز میسر می شود و این است که در این مجلس                      در این مجلس نیز میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند                      که در آن مجلس میسر می شود و این است که در این مجلس که دادگستری را در آن مجلس قبول کرده اند</p>					





وزارت واکتبی

بر ۳۰ یار جوانی و صورت مجلس

شماره ۲۲

شماره پرونده	تاریخ	موضوع	محل	تاریخ	موضوع
	۱۳۳۰				

عزیزان من سلامتی و شادمانی باد... (The rest of the handwritten text is extremely faint and difficult to read, appearing to be a letter or report.)

محمد ترکمان



وزارت واکستری

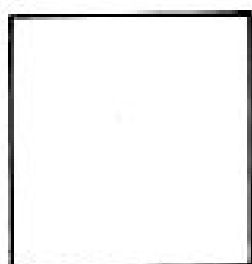
رسمی بازجویی و صورت مجلس

شماره...

شماره پرونده	شماره خان	تاریخ	محل	نام و نام خانوادگی	پست و آدرس
		۱۳۳	تورج		
<p>مجلس بازجویی و صورت مجلس... (بسیار متنی دست‌نویس که به دلیل تاریکی و کثرت آلودگی، متن اصلی قابل تشخیص نیست. متن شامل سوابق و توضیحات است.)</p>					
		۱۳۷			
		۱۶			



<http://www.chebayadkard.com>



اسنادی در رابطه با اتهامات رزم آرا



## مصاحبه مخبر نشریه هفتگی «اتحاد ملی» با فهیم الملک\* درباره «شایعه کودتای رزم آرا»

نقشه کودتا چطور بهم خورد؟

درباره شایعات و مندرجات جراید در مورد نقشه کودتا توسط رزم آرا و انحلال مجلسین سوال کردم، فهیم الملک خنده پرمعنائی کرد و گفت:

کودتای چی؟ کشک چی؟ اگر بچه های منزل من با منزل شما توانستند نقشه کودتا بکشند و اجرا کنند رزم آرا هم می توانست. چه شدند عوامل کودتا کتنده که با متلاشی شدن مغز رزم آرا نقشه آنها نقش بر آب شد؟ کودتا بوسیله یک فرد محال است. عوامل داخلی و خارجی و قوای کافی و تدبیر لازم دارد، و رزم آرا با سه چهار نفر اطرافیان خویش که خود را رفیق شفیق او معرفی می کردند چطور می توانست کودتا

<http://www.chebayadkard.com>

\* فهیم الملک (تحلیل فهیمی) از چهره های مورد اعتماد و اطمینان محمدرضا پهلوی بود، و به توصیه او در کابینه رزم آرا پست «وزیر مشاور» را تصاحب نموده بود. فهیمی پس از قتل رزم آرا تا تشکیل کابینه حسین علاء، از سوی محمدرضا پهلوی عهده دار پست نخست وزیری گردید. شدت مخالفت فهیمی با رزم آرا و همچنین سرور و خوشحالی او از حادثه ترور ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ بخوبی و روشنی از خلال مطالب مصاحبه مذکور نمایان و هویداست. در اینجا، بخش مربوط به «شایعه کودتای رزم آرا» را بنقل از مصاحبه مذکور که تحت عنوان «مصاحبه با نخست وزیر بی وزیر» در نشریه «اتحاد ملی» شماره .... مورخ اسفند ۱۳۲۹ منتشر شده است، درج می نمایم.



کند؟ بهر حال این صرفاً شایعه [ای] بیش نیست که بعد از بین رفتن رزم آرا انتشار یافت و حال که این بحث پیش آمد بد نیست گفته شود رزم آرا با انتخاب چند رفیق و رفیق بازی در کار مملکت وزن اجتماعی خودش را از دست داد، و مخصوصاً با آوردن نظامی ها در نخست وزیری و پرت و پلا کردن کارمندان مجرب و کارگشته، بی جهت مخالفین موثر و زیادی برای خودش ایجاد کرد، بدون اینکه موافقی جلب کرده باشد. ولی اثر موقعی که رزم آرا کشته شد، دیگر رفقای او کنار رفتند و به نخست وزیری نیامدند و بعقیده من یکی از اشتباهات رزم آرا همین رفیق بازی بی مورد او بود.

<http://www.chebayadkard.com>





نامه صفا حایری (یکی از وکلای مدافع خلیل طهماسبی) به بازپرسی شعبه یک  
دادسرای شهرستان تهران

صفا حایری

<http://www.chebayadkard.com>

وکیل پایه یک دادگستری

دفتر: تهران - چهارراه سرچشمه

بازپرسی محترم شعبه یک دادسرای شهرستان تهران

در تعقیب قرار مجدد صادره از شعبه یک دیوانعالی جنائی تهران راجع به تکمیل پرونده اتهامی آقای خلیل طهماسبیان (سیاسی) نسبت به موارد مورد تقاضای این جانب اینک مراتب زیر مورد استدعا است:

۱ - راجع به اسناد مربوط به فرار سران حزب منحلّه توده ممتنی است مقرر فرمائید رونوشت مصدق نامه‌های زیر از این ادارات خواسته شود.

۲ - از اداره سیاسی وزارت کشور - گزارش شماره ۵۲۴ - ۲۹/۷/۴ شهربانی به وزارت کشور حاکی بر اینکه کلیه زندانیان سیاسی اعزامی به کرمان و کاشان ویزد متدرجاً به تهران احضار و تحویل زندان قصر گردیده‌اند، نامه شماره ۱۶۹۹۴/۳۷۰۸ - ۴/۴۲ مورخ ۲۹/۷/۸ شهربانی به وزارت کشور در تعقیب نامه فوق‌الذکر.

۳ - از شهربانی کل کشور - گزارش شماره ۲۳۵۳۴ - ۲۹/۹/۲۶ اداره آگاهی دائره جریان فرار سران حزب منحلّه توده از زندان نامه ۲۱۷۸ محرمانه.

۴ - از دفتر نخست‌وزیری - نامه ۲۹۰۰۴ - ۲۹/۶/۱۶ شهربانی کل کشور به نخست‌وزیری که طبق دستور شفاهی مقرر است زندانیان سیاسی اعزامی به نقاط



مختلف به تهران اعاده شوند - نامه های محرمانه ۵۰۹ - ۲۹/۷/۲ و ۵۱۰ - ۲۹/۷/۲  
شهرستانی به نخست وزیر دایر به آوردن زندانیان سیاسی به تهران.

۵ - راجع به قیام حیات داودیه در فارس - از اداره انتظامات وزارت کشور،  
- نامه شماره ۳۴۷ ج/۱ - ۶۴۷۳ مورخ ۲۵/۲/۸ ژاندارمری بوزارت کشور - نامه ۴۰۱۳  
- ۵۷۸۴ ن/وزارت کشور به وزارت جنگ - نامه ۵۵۳۸/۱۵۲۱۵ مورخ ۲۵/۳/۹۱  
وزارت جنگ به وزارت کشور - رونوشت نامه نمره ۱۸۹۵۱/۵۸۸۰ وزارت کشور به  
وزارت جنگ - نامه نمره ۵۵۳۸/۱۵۲۱۵ مورخ ۲۵/۳/۱۱ وزارت جنگ به وزارت  
کشور - رونوشت نامه نمره ۱۸۹۵۱/۵۸۸۰ - ۲۵/۳/۱۹ وزارت جنگ متضمن نامه  
۱۳۱۸ - ۲۵/۳/۱۲ وزارت خارجه که این نامه ها در پرونده ۳۴/۳ - ۲۶ اداره  
انتظامات وزارت کشور بایگانی است.

۶ - از وزارت دادگستری عین یا عکس رونوشت مصدق متن نطق رزم آرا در  
مجلس شورای ملی که بوسیله مأمورین انگلیسی تهیه شده و طبق گزارش آقای ناصر  
وثوقی باز پرس که رونوشت آن گزارش در پرونده موجود است.  
از جناب عالی خواهشمند است اقدام عاجل و فوری در خواستن نامه های فوق الذکر  
معمول فرمائید، مزید تشکر است. با تقدیم احترامات:

امضاء: صفا حائری



## گزارش آقای ناصر وثوقی به ریاست دادرسی شهرستان تهران

وزارت دادگستری

رونوشت گزارش آقای ناصر وثوقی دادیار دادرسی تهران مورخه ۱۳۳۰/۴/۱۲  
ریاست دادرسی شهرستان تهران - تعقیب مأموریت محوله در مورد تفتیش و بررسی  
اداره منحلّه اطلاعات شرکت سابق نفت جریان اقدامات انجام شده را تا این تاریخ  
بشرح زیر بعرض می‌رساند:  
<http://www.chebayadkard.com>

در تاریخ‌های پنجم و ششم و هشتم و نهم تیرماه ۱۳۳۰ بموجب صورت  
مجلس‌های موجود اینجانب بانفاق آقای امیرحسین پاکروان نماینده تیمسار زاهدی وزیر  
کشور و آقای سرهنگ ابراهیم عاصمی نماینده شهربانی کل و سرهنگ غلامحسین  
دادخواه رئیس کلانتری ۳ در اداره منحلّه اطلاعات شرکت سابق نفت حضور یافتیم، و  
شروع به بررسی و مطالعه اوراق و اسناد گردیدیم. قبل از مراجعه این هیئت اداره مذکور  
از طرف مأمورین انتظامی مهر و موم شده بود، و از تاریخ مراجعه تا حال نیز اداره مذکور  
لاک و مهر شده در تحت حفاظت و نگهداری مأمورین انتظامی می‌باشد. از تعداد زیادی  
اسناد و اوراق مربوطه به این اداره عکس برداری شد، اسناد انگلیسی به فارسی ترجمه  
گردید، و از کلیشه آنها رونوشت تهیه شد. بموجب این اسناد اداره منحلّه اطلاعات  
شرکت سابق نفت در پاره‌ای امور سیاسی داخلی ایران بمنظورهای خاصی مداخله

می‌نموده است. عدد زیادی از روزنامه‌ها مقالات خود را از این اداره می‌گرفته‌اند، آگهی‌ها و اخبار مربوطه به نفت که در عین حال برای رسیدن به هدف‌های معینی تهیه می‌شده از طرف این اداره بوسیله آقای ابوالقاسم حداد که رابط مطبوعاتی اداره بوده است بین روزنامه‌ها قسمت می‌شده و مقالات توهین آمیز و تحریک کننده بمنظور تحقیر رجال و سیاست‌مداران میهن‌پرست ایرانی و انعطاف افکار عمومی از مسئله نفت بدست بعضی نویسندگان و از جمله آقای علی جواهرکلام تهیه و پس از صوابدید اداره مذکور برای درج به روزنامه‌ها داده می‌شده است.

اسناد دیگری مبنی بر رابطه بعضی رجال و سناتورهای با آقای فیلیپ استاکیل رئیس اداره مذکور نیز در دست است، و در عین حال بعضی اقدامات سیاسی و مطبوعاتی عده‌ای از رجال از این اداره سرچشمه و الهام می‌گرفته است. مثلاً بموجب سندی که در دست است آقای شاهرخ اساساً مأموریت‌هایی از طرف این اداره داشته است.

عکسها [ی] ترجمه‌ها، و رونوشت‌های ترجمه شده در اختیار وزارت کشور قرار گرفت، و عین آنها در اداره مذکور لاک و مهر شده موجود است.

در تاریخ ۳۰/۴/۸ بنا بر مذاکره تلفنی و ارجاع آن جناب و رؤیت امریه جناب آقای نخست‌وزیر معلوم شد که پس از انحلال اداره اطلاعات، بعضی کارمندان این اداره منزل آقای سدان را تبدیل به یک اداره مخفی نموده، و در آنجا بکار خود ادامه می‌دهند. محتمل است یک دستگاه فرستنده در آنجا مشغول بکار باشد، و علی‌احمال مقرر است اداره مذکور نیز تفتیش شود.

در روزهای ۸ و ۱۰ و ۱۱ تیرماه جاری بموجب صورت‌جلسه‌های موجود اینجناب با اتفاق نمایندگان وزارت کشور و شهربانی کل و کلانتری ۳ به خانه مذکور وارد و بشرح زیر بررسی‌هایی معمول گردید، حین ورود به خانه نامبرده آقای حداد رابط به اصطلاح مطبوعاتی اداره اطلاعات و آقای فیلیپ استاکیل رئیس اداره مذکور در حالی که هر یک دسته‌ای اوراق و مطبوعات زیر بقل داشتند در حال خروج مشاهده شدند، و اوراق و اسناد مذکور بررسی شد، خانه آقای سدان که دارای اطاق‌های متعدد است کلاً تبدیل به یک اداره یا شعبه‌ای از اداره اطلاعات منحل شده بود، و وسائل کار



از قبیل تلفن، ماشین تحریر، دستگاه دیکتافون و غیره بطور کامل در کلیه اطاقها ملاحظه گردید، و حتی یک اطاق نیز برای استفاده و سکونت شخصی در این ساختمان دیده نشد.

از بررسی اوراق و اسناد این اداره مداخلات دامنه‌دار شرکت سابق در امور داخلی و سیاسی ایران و اقداماتی که بهیچوجه با امر استخراج و تصفیه نفت ارتباط ندارد مشهود و مکشوف گردید. اسناد ارتباط روزنامه‌تویسها، و نویسندگان و بعضی از رجال در این اداره ملاحظه میشود، پیشنهادهایی که از خریداران نفت جهان بعنوان شرکت ملی نفت با پست ایران فرستاده شده بود در آرشیوهای این اداره بایگانی شده است. نطق تیمسار رزم‌آراء نخست وزیر امبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از طرف شرکت تهیه شده بود بدست آمد، و بالاخره یک سند کتبی به خط آقای استاکیل حاکی است که مقداری از اوراق و اسناد مهم نابود گردیده است که بلافاصله اقدام مقتضی معمول گردید.

نماینده وزارت کشور از این اسناد نیز عکسها و رونوشتها و ترجمه‌هایی تهیه کرده، و سپس عین اسناد ضبط گردید. قسمتی در بانک ملی و بقیه در خود محل لاک و مهر شد و تحت حفاظت مأمورین انتظامی قرار گرفت. تطبیق عملیات انجام شد، و اسناد موجود با قوانین اجرائی ایران و بررسی دقیق نوشتجات به فرصتهای بعدی موکول می‌گردد، و اینک ضمن ارسال ۱۲ برگ رونوشت صورت مجلس‌های تنظیم شده مراتب را جهت اطلاع آن جناب اعلام می‌دارد. جریان تحقیقات ادامه خواهد داشت.

دادیار دادرسی تهران. ناصر وثوقی. امضاء ناصر وثوقی ۳۰/۴/۱۲

رونوشت برابر اصل



## نامه وکلای مدافع خلیل طهماسبی به شعبه دادسرا\*

شیر و خورشید  
وزارت دادگستری

صفحه ۳۳

اظهار آقایان وکلا مدافع منم ... از پرونده ای که دفتر فهرست اسناد شماره ۵۶ نمره گذاری شده اسناد ذیل را ملاحظه می فرمائید که استخراج از این پرونده و رونوشت های آن که بزبان انگلیسی است یا ترجمه آقای اکرمی بدرخواست ماها تقدیم این پرونده می شود، فعلاً مورد استشهادات که ذیلاً اسناد مزبور توضیح داده می شود.

۱ - تلگراف مورخ ۵ مارس ۱۹۵۱ وزارت امور خارجه دولت انگلیس به سفیرکبیر خود در تهران راجع به تصمیم کمیسیونی که روزجمعه دویم مارس در وزارت خارجه انگلیس مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه - وزارت سوخت و نیروی برق - نماینده خزانه داری - نماینده بانک انگلیس بوده و تلگراف مزبور به سفیر انگلیس در تهران مخابره شده است.

۲ - خلاصه وقایع از ۵۰/۹/۲۷ تا ۵۰/۱۰/۲ بصورت گزارش از شرکت سابق نفت به لندن راجع به اینکه رزم آرا درصدد گرفتن فرمان انحلال مجلس از شاه بوده است.

<http://www.chebayadkard.com>

\* صفحه ۱۳۷۷ پرونده.



۳ - گزارش محرمانه مورخه ۵۱/۳/۱۴ شرکت سابق نفت دائر بطرز نزدیک شدن به افکار عمومی در ایران.

۴ - خلاصه سئوالات و دستور تحصیل جوابی که سفیرکبیر انگلیس به نخست‌وزیر توصیه کرده است که پاسخ آن سئوالات را از وزارت‌خانه‌های مربوطه بخواهد.

بطوری که ملاحظه می‌نمائید تمام اوراق و پرونده‌هایی که از شرکت نفت سابق بدست آمده اجمالاً و تلویحاً مثبت دخالت کامله و تبعیت مخصوص نخست‌وزیر (رزم آراء) از شرکت نفت می‌باشد. ولی چون اوراق مفصل و برای استفاده ماها... ، و اینکه متهم در زندان بلا تکلیف معطل است، با پیوست نمودن مدارک نامبرده بالا اکتفا می‌نمائیم، و اگر تا اختتام دستور دادگاه به آقای باز پرس موفق بدست آوردن اوراق دیگری شدیم، نیز به این پرونده خواهیم داد.

[امضاء ها:]

صفا حائری	مهدی کاشانی	ابوالفضل لسانی	اکرمی
عاملی	دکتر عیسی سپهبدی	ناصر وثوقی	یک امضاء ناخوانا



## تلگراف وزیر خارجه انگلیس به سفیر آن کشور در ایران\*

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

مستخرجه تلگرافی که از طرف وزارت خارجه انگلیس به سفیر کبیر انگلیس در ایران مخابره و در پرونده شرکت سابق نفت بایگانی است بتاريخ پنجم مارس ۱۹۵۱. پیرو جلسه که در وزارت امور خارجه در روز جمعه دوم مارس تشکیل و نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت سوخت و نیروی برق و خزانه داری و بانک انگلیس در آن حضور داشتند، تلگرافی به مضمون زیر خطاب به سفیر کبیر انگلیس در تهران مخابره گردید.

۱ - اینجانب پیشنهاد شما را که متذکر شده‌اید شخصاً با رزم آرا برای حل قضیه نفت مساعدت نمایند تقدیر می‌نمایم. ولی هرگونه تصمیمی که اتخاذ و مربوط به قانونی نبودن ملی کردن صنعت نفت نباشد از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پذیرفته نخواهد شد. از جریان امر معلوم است که شما در موضوع شرایط حقیقی تصمیمی که ممکن است اتخاذ شود، رزم آرا را تحت تأثیر خود قرار داده‌اید. هیچگونه امتیازی بین صلاحیت شخصی و رسمی شما گذارده نخواهد شد، و

<http://www.chebayadkard.com>

۵ صفحه ۱۳۹ پرونده.





حتی باید فرض شود که تصمیمی که اتخاذ می شود مورد پشتیبانی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قرار خواهد گرفت.

۲ - بنابراین هرگاه هر نوع تصمیمی را به رزم آرا توصیه می نمائید اینجانب ترجیح می دهم که براساس مفاد تلگراف اینجانب باشد (باتوجه به قسمت اخیر تلگراف مزبور نوشته شده است پیشنهاد باید براساس نصف و نصف باشد).

۳ - در هر حال شما نباید شاه و رزم آرا را راجع به احساسات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بی خیر بگذارید، و مخصوصاً باید غیرقانونی بودن صنعت نفت را تصریح نموده، و بار دیگر تأکید نمائید که توضیح شرکت و مساعدت اخیر هنوز معلوم نشده است. شما باید جداً تأکید نمائید که امیدوارید رزم آرا در موقع مذاکره با کمیسیون نفت قول را که داده و گزارش آن را داده اید عملی نموده و ترتیباتی بدهد که اظهارات او در جراید و رادیو کاملاً منعکس گردد.

ترجمه مطابق است. امضاء: اکرمی

۳۱/۲/۹

تائید صحت امضای اکرمی مترجم رسمی زبان انگلیسی دادگستری توسط اداره دفتر کل وزارت دادگستری.

مهر اداره مذکور



## گزارش خلاصه وقایع شرکت سابق نفت نفت راجع به ...

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

مستخرجه از ثبت وقایع ایام که از روی پرونده شرکت نفت راجع به ملاقاتها و مذاکرات استخراج شده.

یادداشت های مربوط به ۵۰/۹/۲۷ تا ۵۰/۱۰/۲

راجع به ملاقاتهای رزم آراء با اعلیحضرت برای گرفتن قول جهت انحلال مجلس، پیمان\* به ما اطلاع می دهد که نخست وزیر از فشار آوردن به اعلیحضرت برای دادن قول در این زمینه که بتواند آن را بعنوان تعهد در مقابل وکلاء بکار برد هنوز ناامید نشده است.

امضاء: اکرمی

ترجمه مطابق است

۳۱/۲/۷

<http://www.chebayadkard.com>

۳۱/۲/۳۰ — ۸۳۰۳۳۲

صحت امضای آقای اکرمی مترجم رسمی زبان انگلیسی وزارت دادگستری

گواهی می شود...

اداره دفتر کل وزارتی

امضاء

مهر دبیرخانه اداره دفتر کل وزارت دادگستری

دبیرخانه

■ مستشار نظامی سفارت کبرای انگلیس.



<http://www.chebayadkard.com>



جزوه دان ..... پرونده ..... صفحه

رد نوشته ..... مورخ ..... عد ۱۲

*(Handwritten notes and signatures in Persian script)*

موضوع: ...

روز و تاریخ: ...

*(Large signature)*

*(Official stamp: وزارت دادگستری - تهران)*

*(Vertical stamp: وزارت دادگستری - تهران)*



## گزارش محرمانه شرکت سابق نفت

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

مستخرجه از گزارش عملیات شرکت نفت انگلستان که به مرکز شرکت در لندن ارسال شده است.

بتاریخ ۵۱/۳/۱۴ - محرمانه -

وضعیت ایران از لحاظ امتیاز - طرز نزدیک شدن به افکار عمومی در ایران

۱ - تماس اشخاص

<http://www.chebayadkard.com>

الف - با ادارات.

از لحاظ سیاست امور نماینده کل شرکت تماس خود را با اعضاء دولت به حد اکثر نزدیکتر ساخته است. علاوه بر ملاقاتهای اتفاقی با اعلیحضرت مساعی نماینده کل از این حیث موجب گردید که در مدت نخست وزیری رزم آراء مرتباً نخست وزیر و وزیر دارائی را هر هفته جداگانه ملاقات نموده و با هر یک بحث مفصلی راجع به جریان اوضاع بنماید.

مثلاً دفاعی که فروهر در تاریخ ۲۶ دسامبر از قرارداد الحاقی نمود نتیجه مستقیم چنین ملاقاتهایی بود. نخست سرپرستی نماینده کل، کارمندان وابسته به او تماس خود را با مأمورین دولت افزوده اند. ضمناً نماینده کل بر یک عدد اعضاء اداری که برای این منظور انتخاب شده اند اجازه داده است برای آشنا ساختن مأمورین مذکور با حقایق اوضاع از هر فرصتی استفاده نمایند. بالتیجه اطلاعات زیادی مبنی بر حقایق امور که در



دفتر نماینده کل تهیه شده برحسب تقاضا با ادارات دولتی ایران داده شده یا آنکه برای آنها فرستاده شده است و آنها هم این اطلاعات را در اسناد دولتی گنجانیده اند. بدیهی است این ترتیب عقیده مقامات مسئول را تحت تأثیر قرار داده است. جوابهای فروهر به مصدق در دسامبر ۱۹۵۰ و جوابهای رزم آرا به مصدق در فوریه ۱۹۵۱ و بسیاری از نظریات «متخصصین» که رزم آراء در تاریخ سوم مارس برای کمیسیون نفت قرائت نمود نمونه هائی از این اطلاعات بوده است. ترجمه مطابق است.

امضاء اکرمی

۳۱/۲/۳

۳۱/۲/۳۰ — ۸۳۰۳۲

صحت امضای آقای اکرمی مترجم رسمی زبان انگلیسی وزارت دادگستری گواهی می شود.

اداره دفتر کل وزارت

امضاء

مهر دبیرخانه اداره دفتر کل وزارت دادگستری





### سؤالات ارائه شده به رزم آرا توسط شرکت سابق نفت\*

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

مستخرجه از پرونده شماره ۵۶ شرکت سابق نفت راجع به سؤالاتی که سفیر انگلیس به رزم آرا داده است که از وزارت خانه ها خواسته شود. سؤالاتی که نخست وزیر راجع به ملی کردن صنعت نفت به وزارت خانه های ایران فرستاده است. سؤالات اضافی که به او توصیه شده است. از لحاظ فنی:

- ۱- آیا مهندسین معدن شناس ایرانی بقدر کفایت هستند که بتوانند موقعیت و محل چاههای نفت را ترسیم و نقشه برداری نمایند؟
- ۲- در اثر ملی کردن صنعت نفت قیمت تولید و حجم بازار آن چه خواهد شد؟
- ۳- چه قدر متخصصین ایرانی و خارجی از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس استخدام شده اند، و این نسبت را چگونه می توان با شرکت نفت ایران مقایسه نمود؟ از لحاظ سیاسی:

- ۱- آیا سیاست پسندیده [ای] است که از الغاء یک جانبه قرارداد دفاع نمود؟
- ۲- آیا سیاست پسندیده [ای] است که روابط بین ایران و انگلیس را تضعیف

یا قطع نمود؟

<http://www.chebayadkard.com>

■ صفحه ۱۳۶۳ بروند.



### از لحاظ مالی و اقتصادی:

- ۱ - چند عاقله مستقیماً یا من غیر مستقیم از صنعت نفت اعاشه می نمایند؟
- ۲ - چه تعداد درآمد می بایستی در سالهای ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ از قرارداد الحاقی عاید ایران گردد؟
- ۳ - در صورت ملی کردن صنعت نفت با چه مبلغی می توان خسارات شرکت نفت را جبران نمود؟
- ۴ - آیا دولت ایران موفق به گرفتن قرضه شده، و ربح آن از چه طریق تضمین می شود؟
- ۵ - سرمایه که باید صنعت نفت را بکار اندازند از چه منبعی بدست خواهد آمد؟

ترجمه مطابق است. امضاء: اکرمی

۳۱/۲/۷

تائید امضاء مترجم توسط اداره دفتر کل وزارتتی مهر اداره مذکور.





### حضور چند تن از وکلای مرحوم خلیل طهماسبی در شعبه ۱ دادسرا \*

- در تاریخ ۳۰/۸/۲ آقای ابوالفضل لسانی وکیل مدافع خلیل طهماسبی، و آقای مهدی کاشانی وکیل دیگر که در شعبه حاضرند و بشرح ذیل اقدام می شود:
- م - با استحضار از .... دادگاه عالی جنائی مقتضی است محل و مشخصات مورد استناد خودتان را تعیین فرمائید که خواسته و ضمیمه شود.
- ج - آقای لسانی - در آتیه در لایحه تقدیمی به دیوان جنائی برای اثبات سیاسی بودن اتهام موکل بعرض رسیده بر دو قسمت است:
- ۱ - اقدامات و عملیاتی که مرحوم رزم آرا چه در موقع تصدی ریاست ستاد ارتش و چه در موقع تصدی مقام نخست وزیری برای ایجاد یک حکومت دیکتاتوری و قلدری نموده که بعد از فوت ایشان این مراتب در دواشر مختلفه پرونده تنظیم شده و موجود است.
- ۲ - عملیات ناروایی که آن مرحوم نسبت به موضوع حیاتی نفت جنوب نموده است.

<http://www.chebayadkard.com>

ه صفحات ۱۲۱۴ و ۱۲۲۳ تا ۱۲۲۶، یا ۷۳۶ و ۷۴۵ تا ۷۴۸ پرونده.

اولاً نسبت به ایجاد حکومت دیکتاتوری پرونده‌هایی در وزارت کشور (اداره سیاسی)، شهریاتی (کارآگاهی)، ژاندارمری کل کشور (اداره رمز و محرمانه)، ستاد ارتش (رکن ۲) موجود می‌باشد که در تمام این پرونده‌ها مراتب معروض منعکس است، و اخیراً هم آقایان سرتیپ سرتیپ‌زاده کارگشا و سرهنگ مهندی به اتهام معاونت رزم آرا تحت تعقیب قرار گرفته، و در دیوان دادرسی ارتش پرونده اتهامی آنان تحت رسیدگی است، و در پرونده اتهامی آقایان مزبور ورقه‌ای بخط خود رزم آرا موجود است که مثبت مراتب معروضه در ایجاد حکومت قلدری و دیکتاتوری می‌باشد.

برای جمع‌آوری این قسمت از دلایل تا قبل از تشکیل پرونده در دادرسی ارتش شاید لازم بود به تمام دوائر معروضه در بالا نامه نوشته شود، ولی فعلاً قریب به یقین است که تمام این پرونده‌ها در دادرسی ارتش جمع‌آوری شده است.

بنابراین تمنی می‌شود بوسیله وزارت جنگ به دادرسی ارتش نوشته شود که یا پرونده اتهامی آقایان سرتیپ سرتیپ‌زاده کارگشا و سرهنگ مهندی را که مشتمل بر مراتب معروضه است به این بازپرسی ارسال دارند، و یا اینکه مواردی که مربوط به عملیات شخص رزم آرا است آنچه که خطوط و دستورات شخص خود رزم آرا است عکس‌برداری نموده و عکس‌ها را برای دائرة بازپرسی بفرستند، و آنچه که مربوط به خود او نیست و مرتبط بموضوع است رونوشت گواهی شده ارسال دارند و چنانچه در جریان امر اطلاع حاصل شد که وزارت کشور و سایر وزارت‌خانه‌های ذکر شده پرونده‌های خود را به دادرسی ارتش ارسال نداشته‌اند مشخصات آن پرونده‌ها کتباً عرض خواهد شد تا از وزارت‌خانه‌ها خواسته شود، و این نکته نیز اضافه می‌شود که چنانچه دادرسی ارتش برای عکس‌برداری هزینه [ای] لازم داشت اینجانبان تأدیه خواهیم کرد.

اما نسبت به عملیات ناروای آن مرحوم در موضوع نفت:

روزنامه اطلاعات شماره ۷۶۳۷ مورخه ۲۹ مهرماه ۱۳۳۰ مشتمل بر نطق مورسین وزیر خارجه انگلستان راجع به سازش انگلستان با مرحوم رزم آرا و حل قضیه نفت و قتل ناگهانی او و اینکه این حادثه منجر به عقیم شدن نقشه‌های کابینه انگلستان گردید، برای ضبط در پرونده تقدیم می‌شود. و روزنامه کیهان شماره ۲۵۴۸ مورخه ۳۰/۸/۱ تقدیم می‌گردد که در سرمقاله آن که قسمتی در ستون ۳ صفحه ۷ نوشته شده، نویسنده مقاله به استاد کشف شده از شرکت نفت استناد می‌کند که آن اسناد حاکی از آن است

که کلیه اقدامات آقای مرحوم رزم آرا یعنی دولت ایران می نمود بدستور سفارت انگلیس بوده است.

کتابه این اسناد تحت نظر جناب آقای حائری شاه باغ دادستان کل، و با مباشرت آقای ناصر وثوقی دادیار دادرسی شهرستان تهران بررسی و کلاسسه شده، و پرونده خاصی بنام رزم آرا تنظیم گردیده. و در اواخر این هفته کتابه اسناد بدست آمده از شرکت نفت بااستثنای پاره‌ای از آنها را که جناب آقای دکتر مصدق همراه خود به شورای امنیت برده‌اند به وزارت دادگستری به مباشرت جناب آقای حسن شیرازی مستشار دیوان کشور به وزارت دادگستری آورده شده است.

تما دارم بوسیله وزارت دادگستری از دیوان کشور پرونده وصف شده در بالا تا میزانی که در ایران موجود است به این دائره محترم بفرستند، و البته پس از مراجعت جناب آقای نخست‌وزیر، و رسیدن آن اسناد که قطعاً به وزارت دادگستری فرستاده خواهد شد آن اسناد نیز خواسته شود.

بالتبیحه تقاضا نیست که چون بر فرض توجه اتهام به تحلیل ضمه‌اسبی، عمل مشارالیه یک اقدام سیاسی بوده و دلائل اشعاری این مراتب را ثابت می‌کند، و تأثیر که مل و بسزانی در سرنوشت متهم و حتی در نحوه تشکیل دادگاه خواهد داشت، عدالت و حقگذاری ایجاب می‌کند که این دلائل جمع‌آوری شود و چنانچه بهمین مناسبت هم دیوان جنائی دستور جمع‌آوری این دلائل را داده است، و تقاضائی که در لایحه شده و مورد موافقت دادگاه جنائی قرار گرفته تجدید و تکرار می‌شود.

امضاء (باز پرس شعبه ۱) امضاء (ابوالفضل لسانی)

امضاء (مهدی کاشانی)

<http://www.chebayadkard.com>

آقای مهدی کاشانی اظهار داشتند موارد استناد اینجانب نسبت به عملیات و اقدامات مرحوم رزم آرا و توضیحات مربوطه به آن موارد استناد همان است که همکار محترم آقای لسانی هم اکنون بعرض رسانیدند. و تقاضای ایشان را اینجانب نیز عیناً تکرار و تجدید می‌نمایم، امضاء.

بلافاصله آقای صفا حائری وکیل دیگر متهم حاضر و بشرح زیر تحقیق شد.

ج - پرونده هائی که مورد استناد این جانب برای دفاع از موکل مورد ضرورت



است علاوه بر آنچه را که همکار محترم آقای لسانی تقاضا فرموده‌اند که تمامی آنها نیز مورد نظر و تقاضای این‌جانب خواهد بود، عبارت است از اصل یا عکس یادداشت تهیه شده در سفارت انگلیس که موضوع نطق و بیان مرحوم رزم آرا در ایام نخست‌وزیری راجع به نفت، و دفاع از قرارداد تنظیمی بین گس و گلشائیان بوده، و آقای ناصر وثوقی دادیار دادسرای تهران در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۳۰ گزارشی به ریاست دادسرا داده و در ضمن آن اشعار داشته‌اند [نطق تیمار رزم آرا نخست‌وزیر اسبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از طرف شرکت تهیه شده بود بدست آمده، و بالاخره یک سند کتبی بخط آقای استاکیل حاکی است الی آخر].

دوم، تمام پرونده‌های مربوط به قیام حیات داوودیه در فارس موجود در دفتر نخست‌وزیری و وزارت کشور و وزارت جنگ و ستاد ارتش — از کلیه نامه‌ها و گزارشهای علنی و محرمانه و رمز — پرونده‌های مزبور تماماً حاکی است که تحریکات رزم آرا و کمک‌هایی که نامبرده با دادن اسلحه و پول و غیره به آنها نموده، می‌باشد.

سوم، پرونده فرار بارزانیهای محصور شده در غرب آذربایجان (سال ۱۳۲۶) به این توضیح بارزانیها که بر علیه دولت قیام مسلحانه نموده پس از زد و خوردهای متعدد با ارتش بالاخره محصور شده و روز بروز وضعیت آنها بدتر می‌شد، و تسلیم آنها به ارتش قریب‌الوقوع شده بود که دفعتاً اطلاع دادند آنها از محاصره خارج و به خاک شوروی رفتند — یعنی رفع محاصره و فرار دادن آنها به دستور رزم آرا و اقدامات محرمانه او بوده که یک خیانت مسلم به ارتش و کشور می‌باشد.

چهارم، پرونده موضوع فرار نمودن سران حزب توده از زندان شهربانی (قصر) که حاکی از یادداشت شخص مرحوم نخست‌وزیر رزم آرا است که در آن موقع گفته بودند [امضاء جمعی است]، و حال آنکه حقیقت داشته، اصل آن یادداشت و همچنین یادداشتها و دستورهایی مربوطه مورد تقاضا است.

امضاء (صفا حائری) ۳۰/۸/۲

ذیل برگ: امضاء بازپرس شعبه ۱.



## مکاتباتی در رابطه با اتهامات رزم آرا \*

شیر و خورشید  
وزارت دادگستری

شماره عمومی ۱۸۱۴

<http://www.chebayadkard.com>

تاریخ ۳۰/۸/۶

### ریاست دادرسی ارتش

چون پرونده اتهامی خلیل طهماسبی بمنظور رفع نقیصه هائی که در قرار صادره از دادگاه عالی جنائی بدان اشاره شده است به این شعبه ارجاع و یکی از نقائص جمع آوری دلائلی است که مورد استناد آقایان وکلاء مدافع متهم واقع و بطوری که از طرف آقایان لسانی - و مهدی کاشانی، و صفا حائری (سه نفر از وکلاء مدافع) اظهار گردیده دلائل مورد استناد عبارت است از:

۱ - عطیات مرحوم رزم آرا در مورد نفت جنوب.

۲ - اقدامات ایجاد حکومت دیکتاتوری و پروژه هائی در اداره سیاسی وزارت کشور که اخیراً بر اثر اتهام آقایان مرتیب مرتیب زاده کارگشا و سرهنگ مهدی یانهاج معاونت مرحوم رزم آرا کلیه سوابق موجوده از طرف وزارت کشور و سایر مقامات به دادرسی ارتش فرستاده شده است، و نیز ورقه ای منتسب بخط خود آن مرحوم در پرونده

۵ صفحه ۱۲۳۶ یا ۲۵۳ پرونده.



مطروحه در دادرسی ارتش موجود می باشد.

خواهشمند است مقرر فرمائید ادله فوق الذکر و هرگونه دلایل دیگری که در پرونده های دادرسی بایگانی است عیناً یا عکس آنها را برای رسیدگی لازم به این شعبه ارسال فرمایند، و چون متهم زندانی است تسریع در ارسال موارد تقاضا را توصیه فرمائید.

باز پرس شعبه اول تهران امضاء: (اعتمادی)

۳۰/۸/۲

باز پرس شعبه اول تهران نامه هائی نیز در همین رابطه به ریاست ستاد ارتش، وزارت کشور و دفتر کل نخست وزیری ارسال داشته است که در پرونده موجود می باشد. در پاسخ نامه باز پرس شعبه اول تهران به دفتر نخست وزیری، جوابیه ذیل از سوی رئیس آن دفتر ارسال شده است:

شیر و خورشید

نخست وزیر

شماره ۲۱۴۴۶

<http://www.chebayadkard.com>

تاریخ ۳۰/۸/۱۶

شعبه اول باز پرس دادسرای تهران

در جواب نامه شماره ۱۸۶۹ مورخ ۳۰/۸/۱۲ زحمت می دهد، از عملیات مرحوم رزم آرا در مورد قیام حیات داودبها سابقه در بایگانی دفتر نخست وزیر نیست، و در مورد فرار بارزانیها و فرار سران حزب توده یادداشت شخص رزم آرا که مستند عمل او باشد بدست نیامد، با این حال اگر پرونده مورد احتیاج است خواهشمند است اطلاع دهند.

رئیس دفتر نخست وزیر — جمال ملکوتی

امضاء ۳۰/۸/۱۶

دفتر — وکلاء متهم احضار تا مفاد نامه به آنان خاطر نشان شود.

امضاء ۳۰/۸/۱۸

آقای باز پرس — اقدام شد روز ۳۰/۸/۲۳ ساعت ۹ صبح.



نامه صفا حائری یکی از وکلای مدافع خلیل طهماسبی به بازپرسی شعبه یک

دادسرای شهرستان تهران

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

باز پرس محترمه شعبه یک دادسرای شهرستان تهران

راجع به سه موضوع مورد تقاضای این جانب به خواستن مدارکی برای تکمیل پرونده اتهامی آقای خلیل طهماسبیان و دفاع از او که از نظر تسریع در کار به وزارت کشور - ستاد لشکر - نخست وزیری - شهرستانی معرفی فرموده بودید، این جانب به ادارات مذکور مراجعه، متأسفانه مدارک مورد نظر راجع به تسلیحات حیة داویدها - فرار بارزانیها - فرار سران حزب توده از زندان شهرستانی - در پرونده های مشکله دیده نشد، و چون بدست آوردن آنها مستلزم وقت خیلی طولانی، و از طرفی متهم در توقیف، و مقتضی است هرچه زودتر مورد دادرسی قرار گیرد، بدین لحاظ فعلاً از خواستن آنها منصرف و فقط استدعا دارد مقرر فرمائید سند مندرج در گزارش آقای ناصر وثوقی باز پرس دادسرای تهران را به دادستان که قبلاً تقاضا نموده بودند خواسته شود و ضمیمه پرونده گردیده و پرونده را برای رسیدگی به دادگاه عالی جنائی ارجاع فرمایند.

امضاء صفا حائری

<http://www.chebayadkard.com>

۳۰/۹/۱۴

دفتر - در پرونده بایگانی شود و فوراً شرحی به دادسرا نوشته شود.

۳۰/۹/۱۴ امضاء

آقای باز پرس - اقدام شد.

(باز پرس شعبه اول دادسرا) ۳۰/۹/۱۴



نامه دوتن از وکلای مدافع خلیل طهماسبی به بازپرس شعبه اول دادسرای تهران  
آقای بازپرس شعبه اول دادسرای تهران

شماره ۱۷۳۴

تاریخ ۱۳۳۰/۹/۲۱

<http://www.chebayadkard.com>

در موضوع اتهام منتسب به آقای استاد خلیل طهماسبیان که طبق قرار دیوان عالی جنائی و تقاضا و توضیحات اینجانبان مقرر شد پرونده های مربوط به کودتای مرحوم رزم آراء و اقدامات ضد حکومت ملی او از اداره دادرسی ارتش خواسته شود بطوریکه خاطر عالی مستحضر است اداره دادرسی ارتش به عذر اینکه فعلاً موضوع اتهام در جریان تحقیقات است و هنوز منتهی به صدور قرار نشده از فرستادن آنها یا اسناد مجوی آن خودداری نموده و چون با این وصف تاریخ ختم تحقیقات معلوم نیست و مدتها است موکل اینجانبان بی جهت در زندان بلا تکلیف مانده و بدون پرونده اتهامی در آن بازپرسی، دیگر موردی ندارد فعلاً با استفاده از توضیحات و ادله ای که پس از صدور قرار دیوان عالی جنائی به بازپرس داده شده استدعا دارد مقرر فرمایند پس از تکمیل سایر قسمتهائی که مورد تقاضای اینجانبان و مورد قرار واقع شده پرونده را به دیوان جنائی اعاده دهند تا هرچه زودتر جلسه رسیدگی به اتهام تعیین شود - بدیهی است همیشه دلایل اتهامیه مرحوم رزم آراء که در پرونده های موجود در اداره دادرسی ارتش است مورد استفاده اینجانبان بوده و چنانچه تا روز جلسه رسیدگی تحقیقات پرونده های مزبور خاتمه یافته باشد لدی الاقتضاء از محتویات و دلایل موجود در آن بنفع متهم استفاده خواهد شد. با احترامات فائقه

دفتر در پرونده بایگانی شود  
امضاء: مهدی کاشانی  
امضاء [؟] ۳۰/۹/۲۱  
امضاء: ابوالفضل لسانی





### حضور سه تن از وکلای مدافع در شعبه ۱ دادسرا

در تاریخ ۳۰/۹/۳۰ آقای صفا حائری وکیل مدافع خلیل طهماسبی حاضر و رونوشتی هم که از دادسرای تهران بشماره ۳۰/۹/۳۰ - ۴۴۱۶۲ رسیده به آقای صفا حائری ارائه و پس از ملاحظه اظهار داشتند رونوشت ارسالی همان گزارش است که مورد استناد این جانب بود، منتهی متن نطق مرحوم رزم آراء که در این گزارش اشاره شده پیوست نیست، و بنابر اظهار مأمورین مربوطه دادسرا متن نطق مزبور در دسترس نبوده که ارسال دارند، و از طرفی چون لازم است هرچه زودتر دادگاه عالی جنائی نسبت به پرونده متهم رسیدگی نماید بنابراین هرگاه سایر تحقیقات مورد درخواست دادگاه تمام شده، مقرر فرمایند پرونده به دادگاه ارجاع گردد، و این جانب در موقع رسیدگی متن نطق مزبور را بوسائل دیگری تهیه و بدادگاه تقدیم خواهم داشت.

امضاء (صفا حائری).

دفتر... چون بازجویی های لازم از پاسبانان مورد نظر دادگاه بعمل آمده و نواقص پرونده تا آنجا که ممکن بوده مرتفع، و آقای سرگرد رأفت افسر شهرداری به دامنان منتقل و چراغعلی پاسبان نیز از خدمت اخراج و محل اقامتش معلوم نگردیده است، بنا بدخواست آقای صفا حائری وکیل متهم پرونده را بازگشت دهید.

امضاء باز پرس شعبه اول تهران <http://www.chebayadkard.com>

بتاریخ ۳۰/۱۱/۱۶ برحسب وقتی که برای امروز تعیین شده و به آقایان ملکی و



صفاء حائری و کاشانی ابلاغ شده بود، مشارالیهم حضور رسانیده راجع بوصول مورد استناد آنان که از آگاهی و دفتر نخست وزیری رسیده مراتب بنظر آقایان رسید، و راجع به برگهائی که در وزارت دادگستری مورد استناد قرار گرفت، چون با مذاکره ای که با آقای معاون اول دادسرا بعمل آمده معلوم شد وزارت خانه نمی تواند بدون مشخصات برگه های مربوطه اقدام بارسال نماید، پرسش شد که مورد استناد را تعیین فرمایند.

آقای صفاء حائری:

بطوری که اینجانب در تعقیب قضیه به وزارت کشور مراجعه کرده ام، اظهار نمودند برگه های مزبور تهیه و قریباً ارسال خواهد شد، و مورد تعجب است که تاکنون در ارسال آن تأخیر شده، نقاضاً دارم در تعقیب مانند قبل از وزارت کشور خواسته شود که در اسرع وقت ارسال دارند.

امضاء (صفاء حائری)

<http://www.chebayadkard.com>



نامه یکی از وکلای مدافع خلیل طهماسبی به باز پرس شعبه اول دادسرای

شهرستان تهران تاریخ ۲۳ دی ۱۳۳۰

باز پرس محترم شعبه اول دادسرای شهرستان تهران

در موضوع اتهام آقای خلیل طهماسبیان (موکل) که طبق قرار اخیر دیوان عالی جنائی تهران (شعبه اول) شماره ۱۲۶ - ۱۳۳۰/۱۰/۲۱ مقرر شده است مدارک و دلایل مورد استناد اینجانبان از دادرسی ارتش و وزارت دادگستری خواسته شود اینک با توجه به مراتب معروض در جلسه ۱۳۳۰/۸/۲ آن دایره خواهشمند است شرحی مستقیماً به وزارت دادگستری نوشته شود که: اولاً پرونده محتوی اسناد کشف شده از شرکت نفت سابق انگلیس و ایران که نشان میدهد کلیه اقدامات مرحوم رزم آراه که بنام دولت ایران مینمود به دستور سفارت انگلیس بوده است و پرونده مزبور تحت نظر جناب آقای حائری شاه باغ دادستان کل وقت و به مباشرت جناب آقای حسن شیرازی مستشار دیوان کشور و آقای مجدالعلی بوستان رئیس دفتر دیوان کشور از شرکت نفت به وزارت دادگستری آورده شده تحت نظر اینجانب و جناب آقای ابوالفضل نسائی قرار داده تا از محتویات آن رونوشت های لازم را گواهی شده اخذ و تقدیم نمایم یا عیناً پرونده را به دایره باز پرس می فرستند.

<http://www.chebayadkard.com>

ثانیاً پرونده ای که به مباشرت آقای ناصر وثوقی دادیار دادسرای شهرستان تهران



بنام رزم آراء تنظیم و محتوی مدارک عملیات خائنانه آن مرحوم است و گزارش آقای وثوقی منضم به مدارک مزبور شده. عیناً به بازپرسی ارسال یا رونوشت گواهی شده محتویات آن پرونده را به اینجانب بدهند.

دیگر آنکه شرحی از طریق وزارت دادگستری به وزارت جنگ نوشته شود که پرونده موجود در اداره دادرسی ارتش که محتوی مدارک اتهامیه مرحوم رزم آراء علیه حکومت ملی سلطنت مشروطه ایران است و دو نفر از معاونین او بنام سرتیپ سرتیپ زاده کارگشا و سرهنگ مهتدی و عده ای دیگر هم تحت تعقیب واقع و پرونده این دو ضمیمه پرونده مرحوم رزم آراء شده. عیناً به دایره بازپرسی یا شعبه اول دیوان عالی جتائی تهران بفرستند.

استدعا دارد بمنظور حقگذاری و اجرای عدالت درباره متهمی که بی جهت ماهها است در گوشه زندان بسر می برد مقرر فرمائید در انجام این سه تقاضا تسریع فرمایند.

با تقدیم احترام  
امضاء: مهدی کاشانی



نامه اعضاء هیئت شعبه اول دادگاه جنائی تهران به دادرسی استان  
بتاریخ بیست و یکم دی ماه ۱۳۳۰ جلسه مقدماتی شعبه اول دادگاه جنائی  
تهران مرکب از آقایان ذیل:  
آقای اشرف احمدی،  
محمد عظیمی،  
باقر وکیلی،  
امیر ابراهیمی،  
حسین کرگانی

تشکیل، پرونده اتهام خلیل طهماسبیان و نامه مورخ ۳۰/۱۰/۲۱ آقای ابوالفضل  
لسانی که ذیل آن را آقایان صفا حائری و مهدی کاشانی وکلای متهم امضا نموده اند به  
این مضمون:

<http://www.chebayadkard.com>

(دیوان عالی جنائی تهران شعبه اول)

در موضوع اتهام آقای خلیل طهماسبیان که برحسب استدعای اینجانبان و  
موافقت دادگاه مقرر شد تصمیم خود را در باب انصراف از پرونده های موجوده در  
دادرسی ارتش، و وزارت دادگستری تا صبح دوشنبه ۲۳ دی ماه بعرض دادگاه برسانیم.



اینک متذکر می‌شود که با مشورت کسان متهم، و خرید متهم و رعایت وظیفه وکالتی خود ناگزیر از استناد مجدد خود به محتویات پرونده ستاد ارتش، و اداره دادرسی ارتش، و پرونده موجود در وزارت دادگستری که مشتمل بر مدارک مسلم خیانت مرحوم رزم آرا به کشور است، و استفاده از کلیه آنها هستیم و نمی‌توان از آنها انصراف حاصل کرد، لذا استدعا دارد مقرر فرمائید پرونده به دادرسی تهران اعاده شود تا از طریق دادرسی اسناد مزبور که تأثیر کلی و اساسی در موضوع اتهام و سیاسی بودن جرم متسبب دارد ضمیمه پرونده اتهامی شود، در خاتمه چنانچه توضیحاتی از طرف اینجناب ابوالفضل لسانی ضروری باشد همکار محترم آقای رضا ملکی وکیل دیگر متهم نمایندگی دارد مطالب لازم بعرض دادگاه برسانند، با تقدیم احترامات ابوالفضل لسانی.

تحت نظر قرار گرفت، چون وکلای نامبرده از استناد به پرونده ذکر شده در قرار این دادگاه انصراف پیدا نکرده‌اند و قبلاً هم موضوع مورد نظر و توجه دادگاه واقع شده، و در قرار قبلی دستور پیوست نمودن آنها را داده است لذا مقرر میشود دفتر پرونده از طریق دادرسی استان به دادرسی تهران ارسال که نسبت به موارد استناد آقایان ابوالفضل لسانی و صفا حائری و مهدی کاشانی (وکلائی متهم) که در آخر قرار شماره ۸۷ - ۴ - ۷ - ۳۰ این دادگاه مشروحاً توضیح داده شده، اقدامات لازم معمول و بوسائل ممکنه پرونده‌های مورد استناد را از مراجع ذکر شده اخذ و پیوست نماید، و چون متهم زندانی است در انجام اقدامات تسریع، و کلیه اقدامات باید با نظارت دادستان انجام شود.

اعضاء هیئت دادگاه - شعبه اول دادگاه جنائی تهران

۳۰/۱۰/۲۱



## نامه دادگستری به وزارت جنگ

شیر و خورشید  
وزارت دادگستری  
اداره دفتر کل وزارتی

فوری است ۱۱۳۹/۲۹

وزارت جنگ

بظوریکه از شعبه اول بازپرسی دادسرای تهران گزارش میدهند بنابه درخواست آقای مهدی کاشانی وکیل خلیل طهماسبی ضمن نامه شماره ۱۸۱۴ - ۳۰/۸/۶ به دادرسی ارتش و ضمن شماره ۱۸۶۷ - ۳۰/۸/۱۲ به ستاد ارتش نوشته شده است موارد استفاده وکیل مزبور از پرونده‌های مورد نظر در دسترس شعبه مزبور بگذارد. ولی از دادرسی ارتش ضمن شماره ۱۸۲۵۴ - ۳۰/۸/۳۰ پاسخ داده‌اند که ارسال پرونده مقدور نیست و از ستاد ارتش نیز ضمن شماره ۴/۱۰۸۰۱ - ۳۰/۸/۱۸ جواب داده‌اند که برای استخراج موارد استفاده از پرونده شخصاً در ستاد ارتش حضور یابد.

خواهشمند است دستور فرمائید در انجام درخواست بازپرس مزبور اقدام سریع بعمل آید، نتیجه را هم اعلام دلرند.

کفیل وزارت دادگستری

۳۰/۱۲/۳ - ۵۹۵۰۴

رونوشت در پاسخ نامه شماره ۲۴۴۹ - ۳۰/۱۰/۲۴ به شعبه اول بازپرسی ارسال میشود.

از طرف وزارت دادگستری

<http://www.chebayadkard.com>

امضاء



### گزارش ژاندارمری کل کشور به وزارت کشور

شیر و خورشید

وزارت کشور

اداره انتظامات

۱۳۲۵/۲/۸ - ۱۳۲۵/۲/۸

وزارت کشور <http://www.chebayadkard.com>

محترماً پیرو شماره ۳۴۹۲۷/۳۲۷۲۹ ج/۱ - ۲۴/۱۲/۱۲ معروض می‌دارد:  
طی گزارشهای شماره ۱۰۷۹۳ ج - ۲۴/۴/۲۴ و ۱۰۸۰۴ ج - ۲۴/۴/۲۵ و  
۱۰۸۰۵ ج - ۲۴/۴/۲۶ خلاصه جریان واقعات مناطق لیراوی و حیات داودی گزارش  
تقدیم، و حتی خلع سلاح آن حدود را خواستار شد، و طی شماره ۲۴۰۵۷ - ۳۰/۸/۲۱  
تقاضا گردید که اشخاصی که با عده‌های مامور تعقیب مقاومت کرده‌اند پس از خلع  
سلاح تعقیب و به مجازات برسند.

تا اینکه ستاد ارتش طی شماره ۸۵۳۶۵/۵۷۵۴۵ - ۲۴/۱۱/۲۴ مستقیماً به  
ژاندارمری جریاناتی اطلاع داد که مراتب آن طی شماره ۳۴۹۳۷ - ۲۴/۱۲/۱۲ بعرض  
رسید، و حتی در آن شماره اشاره شد که عملیات خلع سلاح حوزه لیراوی و حیات  
داودی خاتمه گرفته است.

اینک ناحیه فارس گزارش می‌دهد از قرار معلوم ستاد ارتش مقرر داشته است  
که یکصد و نه قبضه تفنگ به فتح‌الله داودی داده شود که نامبرده از لشکر فارس دریافت  
کرده، و همین [همچنین؟] یکصد و بیست قبضه تفنگ هم وسیله لشکر خوزستان به  
محمد لیراوی تحویل خواهد شد.





وصول این گزارش از ناحیه فارس، ژاندارمری را در قبول مفاد شماره (۵۷۵۴۵) ۸۵۳۶۵ - ۲۴/۱۱/۲۴) ستاد ارتش دایر بر اعلام خاتمه خلع سلاح مردد نگاهداشته است و نمی تواند تصمیمات لازم جهت استقرار دسته های ژاندارم در آنجا ایجاد نماید. گذشته از اینکه قانون درباره محمدعلی و فتح الله حیات داودی حکمیت نکرده، نامبردگان ثانیاً با اخذ تفنگ مسلح شده اند، و حال اگر چه بین این دو نفر توافق نظری حاصل شود، و روی این حسن تفاهم موقت ممکن است حوادث سوئی رخ نهد، لیکن نمی توان بطور قطع امیدوار بود که با بودن تفنگ در دست ایشان امنیت بطور دائم پابرجا باشد، و اگر وضعیت هم بدین منوال باقی بماند، جای انجام وظیفه برای پاسگاههای ژاندارمری دینم و کناوه باقی نیست.

در پایان متنی است مقرر فرمایند مفاد این گزارش را به وزارت جنگ اعلام و نظریه آن را ابلاغ نمایند.

رئیس سازمان ژاندارمری کل کشور

رئیس ستاد ژاندارمری کل کشور

کنترل شوارتسکف

سرهنگ معتضدی

رونوشت برابر اصل است.



### رونوشت نامه محرمانه وزارت امور خارجه به وزارت جنگ

شیر و خورشید  
وزارت کشور

۱۸۹۵۱/۵۸۸۰ - ۳۲۵/۳/۱۹

وزارت کشور.

رونوشت نامه محرمانه وزارت امور خارجه بشماره ۱۳۱۸ - ۳۲۵/۳/۱۲ برای اطلاع و احتیاطات لازمه به وزارت جنگ فرستاده میشود، و چون این وزارت از اصل جریان یعنی از موضوع نامه شماره ۱۴۷۷ - ۷۴۵ - ۳۲۵/۲/۳ آن وزارت به مقام نخست‌وزیری بی اطلاع است علیهذا متمنی است مقرر فرمائید وزارت جنگ را در جریان اتفاقات (بخصوص موضوع مندرجه در ماده ۲ که وزارت خارجه در نامه خود اشاره کرده) بگذارند تا اقدامات لازمه بعمل آید.

امضاء از طرف وزیر جنگ <http://www.chebayadkard.com>

رونوشت شماره ۱۳۱۸ - ۳۲۵/۳/۱۲ وزارت کشور

بازگشت به گزارش آن وزارت به مقام نخست‌وزیری که رونوشت آن را به شماره ۱۴۷۲/س ۷۴۵ مورخه ۳۲۵/۲/۳۰ به این وزارت فرستاده‌اند اشعار می‌دارد از طرفی نامه قبلی که شماره آن را ۲۷۱ - ۲۶۹۱ مورخه ۳۲۵/۱/۱۲ ذکر کرده‌اند به این وزارت نرسیده و به این جهت موضوع کاملاً روشن بنظر نمی‌آید، در هر حال نکاتی را که قابل یادآوری میدانند در زیر تشریح می‌نماید:

۱ - آقای فتح الله حیات داودی را خوب بود معرفی می‌نمودند که کیست، چه



نفوذ و موقعیتی در محل دارد، همچنین محمدعلی لیراوی که ظاهراً دارای موقعیت خاصی بنظر می آید کیست؟

۲ - علت و موضوع ملاقات و مذاکرات بازرسان و مأمورین دولت با حیات داودی و رفتن دسته جمعی آنها به دیلم تشریح نگردیده، تا از آن رو ارتباط قضیه با ملاقات بعدی حیات داودی با کلانتر قشقائی تا اندازه ای روشن بشود.

۳ - اصولاً مأمورین و نمایندگان دول بیگانه در داخله هر کشوری برای کارهاییکه داشته باشند باید به فرمانده محل و یا مأمورین رسمی دیگر مراجعه کنند، و وقتی که مستقیماً یا خوانین محلی آن هم یکجا و برحسب وعده قبلی ملاقات می کنند لازم است تا سرحد امکان نسبت به موضوع ملاقات و مذاکرات آنها از طرف مأمورین ماکنجهکاوی و بررسیهائی بشود، و پیوسته از کیفیت این قبیل پیش آمدها به موقع آگاهی حاصل نموده و تا جایی که اطلاعات آنها به نقطه روش و قابل استفاده برسد مطلب را دنبال نمایند.

رویه گرفته از گزارشهایی که در این اواخر میرسد چنین برمی آید که در صفحات جنوبی بین مأمورین انگلیسی و عشایر و قبایل محلی ملاقاتهایی صورت می گیرد که نتیجه آنها معلوم نیست و بر عهده مأمورین دولت است که بر مراقبت و جدیت خود بیافزایند و حتی الامکان مأمورین هوشمند و کارآزموده روانه فرمایند تا بوسیله آنها اطلاعات روشن تر و سودمندتری بدست آید و دولت برای تدابیر قبلی و پیش بینی های آینده آماده و موفق گردد.

اعضاء از طرف وزیر امور خارجه

رونوشت برابر اصل است.



قرار صادره از سوی بازپرس ویژه دادرسی ارتش درباره اتهام کودتای رزم آرا

شیر و خورشید

وزارت جنگ

اداره دادرسی ارتش

<http://www.chebayadkard.com>

۳۰/۱۲/۱۴

«قرار»

محترماً عطف به مرجوعه مورخه ۳۰/۷/۲ دادستانی ارتش موضوع پرونده توطئه  
ضد مقام سلطنت معروض می دارد.

گردش کار

قسمت یکم - اقدامات و تحقیقات تا قبل از ارجاع پرونده به بازپرسی ویژه  
الف. مقارن ساعت ۱۵ روز سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۳۰ موقعی که تیمسار  
سرلشگر حجازی ریاست شهربانی وقت از طهران به تجریش می رفته اند، نزدیک پمپ  
بنزین در جاده شمیران مشاهده می نمایند سید جوان و معممی با موتورسیکلت درحالیکه  
جوان دیگری راننده بوده بطرف تجریش می روند، و چون از اوضاع و احوال آنها  
مشکوک می شوند به کلانتری تجریش احضار، و در تحقیقات معلوم می شود نام سید  
مزبور سید محمد حسن حائری نیا دانشجوی معقول و متقول است، از نامبرده واریسی بدنی  
بمعمل آمده، و در ضمن بازرسی منزل مشارالیه اوراق و مدارک مشکوکی بدست می آید،  
نامبرده در شهربانی بازداشت و تحقیقات از وی شروع می شود، و در جریان بازجویی  
اظهاراتی می نماید مبنی بر اینکه مرحوم رزم آرا با کمک عده که اسم آنها را نیز ذکر  
نموده قصد کودتا داشته است، و موضوعی که بیشتر مورد توجه واقع می گردد، مطالبی در

یاره اجراء کودتا بوده است که در یکی از دفترچه های مکشوفه از منزل سید مزبور درج شده، و اظهار داشته بود که بخط مرحوم سپهبد رزم آراء است.

(رونوشت مطالب مزبور که سه برگه است پیوست این قرار می باشد - شرح مفصل این خلاصه و اظهارات سید مزبور نیز در ۱۴ برگ گزارش شهربانی کل کشور از ردیف ۳۸۴ الی ۳۹۷ جلد اول پرونده ضبط است).

ب. سرتیپ محمدحسین سرتیپ پور رئیس کارآگاهی سابق، و سرهنگ پیشین علی اکبر مهدی معاون اسبق نخست وزیر هم از لحاظ فعالیت علیه دولت جناب آقای دکتر مصدق، و از جهت شرکت در توطئه علیه مقام سلطنت در زمان مرحوم رزم آراء مورد سوءظن شهربانی واقع و بنابه تقاضای اداره آگاهی و با موافقت باز پرس دادرسی ارتش مقرر می گردد مکالمات تلفونی آنها کنترل شود (ردیف ۳۶۱ و ۳۶۲ جلد اول پرونده) متعاقب این اقدام در تاریخ ۳۰/۶/۲۶ از منزل مهدی و در ۳۰/۶/۳۰ از منزل سرتیپ پور یازرسی بعمل آمده مقداری اوراق و کاغذجات ضبط می گردد (ردیف ۳۷۰ و ۳۷۷ جلد اول پرونده) بعلاوه سرتیپ پور و مهدی در شهربانی بازداشت و مراتب بمنظور صدور قرار مقتضی به ستاد ارتش گزارش می شود (ردیف ۳۷۲ و ۳۷۴ جلد اول پرونده).

ج. پس از اینکه این اقدامات انجام می گردد طی ۵/۱۴۱۰ - ۳۰/۷/۱ (ردیف ۳۹۸ جلد اول پرونده) پرونده مشکله حاوی ۴۸۳ برگ اوراق پرونده به ضمیمه ۱۴ برگ خلاصه اظهارات سید حائری نیا و ۲۷۶ برگ اوراق و ۱۱ جلد دفترچه مکشوفه از منزل سید نامبرده و دو بسته اوراق و نوشتجات مکشوفه از منزل سرتیپ پور و مهدی به دادستانی ارتش ارسال می گردد. ولی دو جلد دفترچه بغلی حائری نیا که مطالبی راجع به کودتا در آن درج شده بود در اداره آگاهی نگهداری می شود.

د. در تاریخ ۳۰/۶/۲۵ گزارش شرفمرزی به پیشگاه شاهانه تقدیم می شود مبنی بر اینکه طبق اظهار سید محمد حسن حائری نیا، مرحوم رزم آراء قصد کودتا داشته و قسمتی از مطالب مندرجه در دفترچه مأخوذه از سید طبق اظهار وی به خط مرحوم رزم آراء است که در نتیجه اوامر شاهانه برای تعقیب «کلیه اشخاصی که در مظان اتهام هستند شرفصدور یافت» برگ ۲.

ه. در تاریخ ۳۰/۶/۲۶ سرتیپ سرتیپ پور، و در تاریخ ۳۰/۶/۲۷ مهدی به دادرسی ارتش احضار و پس از انجام یک جلسه تحقیق مقدماتی قرار بازداشت آنان صادر و به موافقت دادستانی ارتش می رسد (ردیف ۳۳ و ۷۰ جلد دوم پرونده) و چون

نامبردگان به قولر صادره اعتراض نمودند، پرونده به دادگاه ویژه ارجاع، و دادگاه قرار بازداشت را تأیید نمود (ردیف ۸۲ جلد دوم پرونده).

و در ضمن اولاً از شهربانی پنج برگ رونوشت گزارش مأمور کنترل مکالمات تلفونی سرتیپ سرتیپ‌پور و مهندی که ظاهراً حاکی از فعالیت‌هایی علیه دولت جناب آقای دکتر مصدق بوده به دادستانی ارتش ارسال می‌گردد (از ردیف ۵۲ الی ۵۶ جلد دوم پرونده ضبط است)، ثانیاً یک برگ یادداشت مدادی به خط مهندی که در زندان برای سرتیپ سرتیپ‌پور نوشته بوده و بدست آمده به دادرسی ارتش ارسال می‌گردد (ردیف ۹۲ جلد دوم پرونده).

<http://www.chebayadkard.com>

قسمت دوم - اقدامات و تحقیقات پس از ارجاع پرونده به بازرسی ویژه پرونده در تاریخ ۳۰/۷/۲ به بازپرسی ویژه ارجاع گردید و به شرح پائین شروع به اقدام گردید:

الف. این بازپرسی با درک اهمیت این مأموریت خطیر پس از بررسی دقیق پرونده واصله به این نتیجه رسید که نسبت به موارد مختلفی بایستی تحقیقات عمیق و دقیق و عندالزوم دامنه‌دار معمول دارد تا به حقیقت برسد.

- در تاریخ ۳۰/۷/۲۷ که گزارشی برای تصویب شغل یک نفر کمک بازپرس بشرفمرض میرسد، اوامر شاهانه بدین مضمون شرفصدور یافت که «طبق چه مدارکی موضوع اتهام توطئه بر ضد سلطنت تشخیص داده شده، بایستی دقت و مراقبت شود که موضوع تسویه حسابهای شخصی در بین نباشد (برگ ۳۵۱ جلد دوم پرونده)، علاوه بر این وقتی یک دادخواست مهندی از طریق وزارت جنگ بشرفمرض می‌رسد ایضاً اوامر شاهانه شرفصدور می‌یابد که «دقت و مراقبت شود که تسویه حسابهای شخصی در بین نباشد» ردیف ۳۳۰ جلد دوم پرونده. پس از وصول و ابلاغ اوامر شاهانه چون طبق گزارش شرفمرضی مورخه ۳۰/۶/۲۵ موضوع تعقیب مربوط به اتهام توطئه علیه سلطنت بوده و در مورد این اتهام نیز قسمتی از مندرجات دفترچه حائری‌نیا که مربوط به اجراء کودتا مدرک مهم این اتهام بنظر می‌رسد علیهذا برای کشف حقیقت و به دستور ماده ۱۵۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش قانوناً ضروری بنظر رسید که برای کارشناسی خط بمنظور تشخیص صحیح خط مزبور اقدام شود. از این رو چند نمونه از خط مرحوم سپهبد رزم‌آراء

بمنظور تطبیق با قسمتی از خطوط دفترچه مزبور که بنا به اظهار حائری نیا به خط مرحوم سپید رزم آراء بوده از ستاد ارتش اخذ و به ترتیبی برای کارشناسی اقدام گردید که کارشناسان خط قبل از تشکیل جلسه و انتخاب سه نفر کارشناس از بین کارشناسان بهیچوجه از موضوع مستحضر نگردیده، و برای تأمین اجتناف مکاتبه‌نی هم بعمل نیامد و شخصاً بجناب آقای ..... کفالت وزارت دادگستری مراجعه شد. در نتیجه در تاریخ ۳۰/۸/۱ با حضور اینجانب (سرتیپ کیهان) باز پرس ویژه و تیمسار سرتیپ امانپور دادستان ویژه و تیمسار سرتیپ آزموده معاونت دادستانی ارتش، و سرکار سرهنگ پاکروان ریاست رکن دوم، و سرکار سرهنگ ستاد گوهری دادیار ویژه در دفتر کار ریاست اداره آگاهی در شهربانی از روی صورت کارشناسان ۳ نفر کارشناس با سابقه تعیین و کارشناسی معمول گردید.

کارشناسان پس از مذاقه و بررسی خط مرحوم سپید رزم آراء و تطبیق آنها با خط انتسابی به مرحوم مزبور در کتابچه مکشوفه از حائری نیا نظر دادند که خطوط معینه در کتابچه فوق‌الذکر با خطوط جوهری و مدادی ارائه شده که اساس تطبیق است بهیچوجه شباهتی از حیث شیوه خط و گردش قلم ندارد و از ناحیه یک نفر صادر نشده است. و اما خطوط مورد گفتگو در کتابچه با خطوط مدادی در همان کتابچه برگ دوازدهم مقابله شده از حیث شیوه و گردش قلم و طرز نگارش با یکدیگر شباهت کامل دارد، و از ناحیه یک نفر صادر شده است. که منظور کارشناسان شیبه بودن خط انتسابی به مرحوم رزم آراء به خط خود سید حائری نیا است (اقدامات مربوط به کارشناسی در ردیف ۳۶۳ الی ۳۷۱ جلد دوم پرونده ضبط است)

به این باز پرس چه قبل از کارشناسی و چه پس از آن تنها هم خود را مصروف اقدام به کارشناسی خط ننموده، بلکه به منظور کشف حقیقت کلیه اقدامات و تحقیقات لازمه را که خلاصه آن تقریباً به ترتیب تاریخ و تقدم و تأخر در پائین درج نبوده معمول داشته است، بشرح ذیل:

<http://www.chebayadkard.com>

- ۱ - در رکن دوم ستاد ارتش پرونده‌های: قشقانی‌ها، پیچرانلوها، بختیاری‌ها، حسن کاشف رئیس اسبق کارآگاهی اصفهان (مربوط به کمیته انتقام اصفهان که در بهمن سال ۲۷ تحت رسیدگی بود) و تعلیمات عشایری بررسی گردید.
- ۲ - تحقیقات عمیق و دامنه‌دار در ژاندارمری معمول و بالانحص از لحاظ اینکه شاید احتمالاً برای فرارده نفر زندانیان سیاسی از وسائل و عناصر ژاندارمری استفاده شده

باشد تحقیقات جزئی و کلی و دقیقی بعمل آمد (از جلد دوم پرونده به بعد) و همچنین در مورد تأسیس پاسگاهها و تعلیمات جدید تحقیق لازم گردید.

پرونده سازمان دادگاههای ژاندارمری بررسی شد.

۳ - صورت جلسه مشروح کمیسیون متشکله از نمایندگان وزارت کشور - ژاندارمری - دادرسی ارتش که قبل از تشکیل این بازپرسی برای تحقیقات به ژاندارمری اعزام شده بودند تحت بررسی واقع شد.

۴ - از ستاد ارتش و شهربانی کل کشور درخواست گردید که علاوه بر مواردی که این بازپرسی در نتیجه تماس حضوری یا مکاتبه درباره این پرونده استعلام می نماید نظر به اهمیت پرونده و برای نشریک مساعی بیشتر دستور داده شود شعب و دوایر مربوطه هرگونه مدرک و اطلاعی که موجود دارند و در آتیه تحصیل می نمایند به بازپرسی ویژه ارسال دارند. (برگ های ۱۲۶ و ۱۲۷ جلد دوم پرونده).

۵ - نامه ای به اعضاء «ا.جامی» رسید که حکایت از وجود پرونده ای که به کشف این موضوع کمک می نماید و در بازپرسی وزارت پست و تلگراف است می نمود (برگ ۱۳۱ جلد دوم پرونده) مراتب از وزارت پست و تلگراف استعلام و چون تکذیب شد پنج نفر کارمندان آن وزارت خانه که شهرتشان جامی بوده احضار، در نتیجه تحقیق و تطبیق خط معلوم شد که این نامه از ناحیه آنها صادر نشده و نویسنده شناخته نشد.

۶ - از رکن دوم ستاد ارتش درخواست شد که کلیه مندرجات جرائدی را که در زمینه مأموریت این بازپرسی مطالبی می نویسند بمنظور تحقیق در اطراف آن مطالب به بازپرسی ویژه ارسال دارند (برگ ۱۳۶ جلد دوم پرونده) که بعداً هم نسبت به این قبیل جرائد واصله تحقیق گردید.

<http://www.chebayadkard.com>

۷ - اسامی ۲۲ نفر افسران و غیرنظامیان که سید حائری نیا اظهار داشته بود که آنها با مرحوم رزم آرا همفکری نزدیک داشته و یا در صورت توطئه علیه سلطنت با او همکاری می نمودند به شهربانی کل کشور ارسال و اعلام گردید، چون ممکن است ولو بعنوان مطلع باشد این اشخاص به بازپرسی احضار گردند علیهذا دستور داده شود که از ایران حق خروج ندارند، و علاوه بر این در مورد افسران هم به ستاد ارتش در این زمینه گزارشی تقدیم گردید. (برگ ۱۴۲ جلد دوم پرونده)

۸ - با وجود اینکه پرونده های: سوء قصد به ذات شاهانه در بهمن ۲۷ - قتل



هزیر - ترور محمد مسعود - قتل دهقان - مضروب نمودن امام جمعه در مراجع صلاحیت دار رسیدگی شده یا تحت رسیدگی است معیناً بمنظور اینکه شاید در موضوع این پرونده کمک یا هدایتی نماید خواسته شد.

۹ - در دو جلسه از آقای شاهنده مدیر روزنامه فرمان بعنوان مطلع تحقیقاتی بعمل آمد (از برگ ۱۵۴ جلد دوم پرونده به بعد) و علت تحقیق از نامبرده دو جهت داشت یکی اینکه مشارالیه مدیر روزنامه ایست که در زمینه این اتهام مطالبی نوشته، دیگر اینکه نامبرده تا مهرماه ۱۳۲۹ با مرحوم رزم آراء نزدیک بوده و از آن به بعد بعلمتی که در برگ تحقیقات منکس است با آن مرحوم اختلاف پیدا کرده که قاعدتاً با این مشخصات یعنی بعلمت نزدیکی اولیه قاعدتاً اطلاعاتی دارد و بعلمت خصومت بعدی در صورت داشتن اطلاعات علیه مرحوم رزم آراء حاضر به افشاء آن خواهد بود.

۱۰ - در تاریخ ۳۰/۷/۲۰ از سرهنگ ستاد کافی معاون رکن دوم ستاد ارتش بمناسبت سابقه ای که در رکن مزبور داشته، و بعلمت اینکه سید حائری نیا درباره مشارالیه اظهاراتی نموده بود، بعنوان مطلع تحقیق شد (برگ ۲۵۷ جلد دوم).

۱۱ - در ۳۰/۷/۲۰ اطلاعی رسید که اسکناسی به تصویر مرحوم رزم آراء چاپ شده از شهر بانی خواسته شد (برگ ۲۲۱ جلد دوم پرونده)، پاسخ رسید که در شهر بانی موجود نیست، و طبق اطلاع یک وقتی روزنامه آتش این مطلب را منتشر کرده بوده، از مدیر روزنامه آتش کتباً خواسته شد جواب فرسید، با نامه و تلفونی برای احضار مدیر روزنامه اقدام شد حاضر نشد، و چون شماره روزنامه ای هم که چنین مطلبی در آن باشد مشاهده نشد، طبعاً بنظر باز پرسى موردی برای جلب وی موجود نبود.

۱۲ - قسمت جالب توجه دیگر و حساس پرونده وقتی شروع میشود که طی ابلاغیه ۳۷۶۰۰ - ۳۰/۷/۷ ستاد ارتش عین نامه ای که بعنوان آقای فاطمی معاون نخست وزیر ارسال شده و سپس بشرفعرض ملوکانه رسیده به باز پرس و ویژه ارسال و حکایت از این می نمود که استوار ژاندارم جنید راهونی و نوکرش از طرف مرحوم رزم آراء مأمور سوء قصد به ذات شاهانه بوده اند (برگ ۲۳۷ جلد دوم پرونده) که در نتیجه قهراً اعزام استوار مزبور تحت الحفظ از لشکر خراسان درخواست و تأکید شد که نامبرده و نوکرش بدون تماس با یکدیگر و دیگران اعزام بشوند. پس از اعزام قهراً بازداشت انفرادی شده و تحقیقات شروع شد (از برگ ۲۴۰ جلد دوم پرونده به بعد) و علاوه بر تحقیقات از وی و

نوکرش که بعداً اعزام شد، سوابق وی از لشکر ۸ ژاندارمری درخواست و پرونده‌هایی از مأموریت مشارالیه بمنظور بررسی درخواست شد، و ازدونفر آشنایان وی در طهران نیز بازجویی بعمل آمد (از برگ ۳۰۷ تا ۳۱۴ و ۳۲۱ تا ۳۲۵ جلد دوم پرونده). و چون استوار مزبور به قرار بازداشت صادره اعتراض نموده، پرونده به دادگاه و بزه ارجاع، دادگاه طبق قرار مورخه ۳۰/۸/۱ ادامه بازداشت او را جایز ندانسته، عقیده به آزادی مشارالیه داد (برگ ۳۵۶ جلد دوم پرونده) که در نتیجه استوار جنید بقید التزام به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال و نوکرش بقید التزام به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال مرخص گردیدند.

۱۳ - نظر به اینکه سید حائری‌نیا در جریان تحقیقات در شهر بانی و قبل از کارشناسی خط اظهاراتی نموده بود که عده از امرآ و افسران ارشد در صورت انجام توطئه علیه سلطنت با مرحوم همکاری می‌نمودند، و اسامی ذکر کرده بود، علیهذا از این جهت و از جهت اینکه بعضی از امرآ و افسران ارشد در زمان مرحوم رزم‌آراء در راس مشاغل حساس بودند با بررسی جوانب، بدون اینکه بازداشت آنان مصلحت باشد بعنوان مطلع به بازپرسی و بزه احضار و تحقیقات کتبی از آنان بعمل آمد که به ترتیب تقدم بازجویی ذیلاً ذکر می‌شود:

- از سرهنگ هوایی غضنفری - آجودان سابق ستاد ارتش و رئیس دفتر نخست‌وزیری در زمان مرحوم رزم‌آراء (از برگ ۲۶۹ الی ۲۸۵ جلد دوم پرونده).  
- از تیمسار سرتیپ بیژن گیلانشاه رئیس اسبق رکن دوم ستاد ارتش (از برگ ۲۹۸ تا ۳۰۶ جلد دوم پرونده).

- از تیمسار سرلشگر همایونی رئیس سابق نخست‌وزیری (از برگ ۳۲۵ الی ۳۲۹ جلد دوم پرونده).

- از آقای خلیلی رئیس سابق حسابداری نخست‌وزیری (از برگ ۴۰۶ تا ۴۱۲ جلد دوم پرونده).

علاوه بر این ۶ بار دیگر از خلیلی تحقیق شد که از جمله دربرگهای از ۱۳۴ جلد سوم به بعد و از ۳۱۸ به بعد جلد سوم پرونده، و همچنین از برگ ۱۰۳ به بعد جلد چهارم پرونده منعکس است.

- از تیمسار سرلشگر بقائی رئیس سابق دادرسی ارتش (از برگ ۱۳۹ جلد سوم

<http://www.chebayadkard.com>

به بعد).

— از تیمسار سرتیپ کیا رئیس سابق مرزبانی (از برگ ۱۵۳ جلد سوم پرونده به بعد).

— از تیمسار سرتیپ دفتری رئیس اسبق شهربانی (از برگ ۲۰۴ جلد سوم پرونده به بعد).

— از تیمسار سرتیپ گلپرا رئیس اسبق ژاندارمری (از برگ ۲۳۹ جلد سوم پرونده به بعد و یک دفعه دیگر).

۱۴ — از نخست وزیری — میزان بودجه سری زمان نخست وزیری مرحوم رزم آراء خواسته شد (برگ ۳۴۰ جلد دوم پرونده) علاوه بر این از نخست وزیری استعلام گردید که در زمان مرحوم رزم آراء از بودجه سری نخست وزیری یا محل دیگری به کدام یک از مدیران جرائد کمک مالی میشده و مبلغ آن چه بوده؟ پاسخ نخست وزیری در مورد وجوهی که در زمان مرحوم رزم آراء داده شده واصل و در ردیف ۸۹ جلد سوم پرونده ضبط است، و در این زمینه از خلیلی رئیس حسابداری وقت تحقیقاتی بعمل آمد، و در مورد کمک پولی به مدیران جرائد چون نخست وزیری موردی را ذکر ننمود، در این زمینه با انجمن روزنامه نگاران مکاتبه شد (برگ ۱۳۳ جلد سوم پرونده) و منظور از این استعلام و مکاتبه این بود که معلوم شود آیا مستقیم و غیرمستقیم بدستور مرحوم رزم آراء به مدیران جرائدی که علیه مقام سلطنت مطالبی منتشر می نمودند کمکی می شده یا خیر؟ تا اینکه طی ۲۶۱۹/۴ — ۳۰/۸/۲۱ از نخست وزیری اعلام گردید که در زمان مرحوم رزم آراء ۵۹۷۶۵ کیلو کاغذ از اداره..... دخیانیات اخذ و به روزنامه های داد، صدای مردم، ترقی تقسیم و سه دوله هم به نخست وزیری آورده شد (برگ ۲۰۳ جلد سوم پرونده) که در این زمینه از خلیلی رئیس حسابداری تحقیق لازم بعمل آمد، انجمن روزنامه نگاران جواباً اعلام داشت چون دولت رزم آراء به عذر نبودن محل چندین ماه ماهیانه مقرر را نپرداخته بود، برحسب تصویب هیئت مدیره انجمن به آقای هاشمی حائری مدیر روزنامه طلوع شصت هزار ریال (۶۰/۰۰۰) داده شده است (برگ ۲۹۵ جلد سوم پرونده).

در یاره وجوه مصرفی در زمان نخست وزیری رزم آراء علاوه بر صورت وجوه بتدریج در ردیف ۸۹ جلد سوم پرونده از نخست وزیری اعلام گردید که بالغ ۱۶۰۰۰۰ ریال نیز در زمان نخست وزیری مرحوم رزم آراء از اوقاف به مناسبت عزاداری خامس آل عبا گرفته شده که در این مورد نیز از خلیلی تحقیق و اظهار داشته معمول سالیان بوده و

بانک سپه هم دهنده وجه چک مزبور بوده مکاتبه گردید (برگ ۲۷۸ و ۴۱۱ جلد سوم پرونده).

ضمن بررسی صورت وجوه مصرفی در مورد ارقامی که از لحاظ مبلغ یا گیرنده وجه جلب نظر می نمود از رئیس حسابداری وقت تحقیق می گردید، از جمله ارقام مزبور صد هزار ریال (۱۰۰/۱۰۰) ریال بود که تحت عنوان اینکه در شب عروسی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به صد نفر از مستمندان داده شده به حساب گذارده شده بود، که در این زمینه علاوه بر تحقیقات مکرر از خلیلی (از برگ ۳۱۸ جلد سوم پرونده به بعد) با نخست وزیر و با دیوان عالی محاسبات نیز مکاتبه گردید (ردیف ۳۰۷ و ۳۶۸ جلد سوم پرونده)، نخست وزیر گیرنده وجه را خلیلی معرفی و مشارالیه موضوع را منکر و با ارائه رونوشت دستور مرحوم رزم آراء مدعی است که این وجه را مرحوم رزم آراء در شب عروسی شاهانه از حساب نخست وزیر شخصاً پرداخت نموده و دستور داده اند به حساب گذارده شود که یک نسخه از رونوشت این دستور نیز از دیوان محاسبات به بازپرسی ارسال و اعلام گردیده که سند در جریان رسیدگی است، تحقیق در این باره صرفاً از جهت مالی نبوده بلکه از این لحاظ بوده که شاید با موضوع پرونده مطروحه از جهتی ارتباط حاصل کند ولی قرینه دست نداد.

۱۵- درباره مطالب جرائدی که صریحاً یا ضمناً اشاراتی در باره توطئه علیه سلطنت در زمان مرحوم رزم آراء نموده مکاتبه یا تحقیق لازم بعمل آمد، از جمله دو مورد روزنامه طلعه لرستان (برگ ۳۹۷ جلد دوم پرونده) و تحقیق از مدیر روزنامه طوفان (برگ ۱۷۶ جلد سوم پرونده) علاوه بر این به مدیر روزنامه آتش و همچنین کریم پورشیرازی مدیر روزنامه شورش تلفونی و کتبی اعلام شد که چنانچه اطلاعاتی در باره این مأموریت و موضوع دارند کتبی یا حضوری در اختیار بازپرسی بگذارند حاضر نشدند. از آقای داود امینی رئیس انتشارات شهر بانی کشور نیز تحقیقاتی بعمل آمد (از برگ — جلد دوم پرونده).  
<http://www.chebayadkard.com>

۱۶- در خلال این احوال و اقدامات، بازجویی از سرتیپ سرتیپ پور و مهندی و سید حائری نیا که دو نفر اول در زندان قصر و نفر سوم در زندان موقت بازداشت بودند جریان و ادامه داشته و شرح ذیل در پرونده متشکله ضبط و منعکس است (علاوه بر تحقیقات گذشته):

- از مرتب‌پس مرتب‌پور (از برگ ۱۰۱ و ۲۸۱ جلد سوم به بعد و از برگ ۱۶۱۰ جلد چهارم پرونده به بعد).
- از مهتدی (از برگ ۱۰۵ و ۱۶۷ و ۲۷۹ جلد سوم به بعد و از برگ ۱۱۲ تا ۱۱۸ جلد چهارم پرونده).
- از سید حائری نیا (از برگ ۱۶۳ و ۴۴۹ و ۴۷۶ جلد سوم پرونده به بعد و از برگ ۵۸ تا ۱۰۳ و ۱۰۶ تا ۱۱۱ و ۱۱۹ تا ۱۴۲ و ۱۵۴ تا ۱۵۸ و ۱۶۱ تا ۱۷۳ جلد چهارم پرونده).
- تحقیقات از سید حائری نیا در زمینه اظهارات گذشته و مسوالات جدید و اوراق و نوشتجات مکشوفه از منزل مشارالیه که در یک گونی ریخته شده بود بعمل آمد.
- ۱۷— در ژاندارمری کل کشور نیز از عده از افسران و درجه داران تحقیقات مورد نظر درباره پاسگاهها — آموزش وسائل — مأموریت‌های شبانه و غیره بعمل آمد و اوراق بازجویی در برگ‌های ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۷ و ۲۱۹ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۳۲ و ۲۳۵ و ۲۴۷ و ۴۶۵ و ۴۷۳ جلد سوم پرونده ضبط است.
- ۱۸— پس از اینکه تحقیقات به اینجا رسید، و نتیجه کارشناسی خط معلوم شد دو نفر بازداشتی مرتب‌پس مرتب‌پور و آقای مهتدی در جریان بازپرسی اظهاراتی کردند مبنی بر اینکه شاه‌پرست و خدمتگزار بوده‌اند، و در این زمینه نیز تحقیقاتی بعمل آمد (از برگ ۲۵۹ جلد سوم پرونده به بعد) و دادیار پرونده هم گزارشی داد مبنی بر لزوم استخلاص نامبردگان (برگ ۲۵۸ جلد سوم پرونده) باز پرس و ویژه قرار آزادی مشارالیهم را با وجه التزام به مبلغ ۵۰۰,۰۰۰ ریال بشرط عدم خروج از حوزه قضائی تهران صادر نمود، ولی دادستان ویژه به انتظار اقدامات قضائی دیگر موافقت نفرمودند که بالنتیجه پرونده بمنظور حل اختلاف به دادگاه ویژه ارجاع و دادگاه با قرار آزادی نامبردگان موافقت نمودند (برگ ۳۱۶ جلد سوم پرونده) و مشارالیهم آزاد شدند.
- ۱۹— پس از اینکه مرتب‌پس مرتب‌پور از زندان آزاد گردید، نامیزده و سید حائری برای تحقیق به بازپرسی ویژه احضار گردیدند، و قبلاً یکی از کمک‌باز پرس‌ها در محلی نشسته بود که بدون اینکه دو نفر مزبور کمک‌باز پرس نامبرده را به‌بیتند کمک‌باز پرس بتواند اظهارات آنها را بشنود، و پس از حاضر شدن این دو نفر ترتیب کار قسمی داده شد که آنها تنها مانده و مذاکراتی کردند که کمک‌باز پرس مزبور قسمت

اعظم مذاکرات آنها را نوشته که در ردیف ۴۳۵ و ۴۶۶ جلد سوم پرونده ضبط است، و بعداً به امضاء سید حائری نیا هم رسید.

سید حائری نیا در شروع مذاکرات خود اظهار داشت که «خدا پدر فاطمی را بیمارزد که برای جلوگیری از جمهوری خود اینکار را برملاء کرد»، که در این باره از سید مزبور در ردیف ۴ برگ ۱۵۴ جلد چهارم پرونده سؤال شد که منظور شما از این اظهار چه بود که پاسخ نامبرده در برگ ۱۵۵ جلد چهارم منعکس است.

۲۰ - در خلال رسیدگی اطلاعاتی رسید مبنی بر اینکه اظهاراتی به میرزاعلی نام کدخدای برقوا از توابع خلخال انتساب داده شده که حکایت از همکاری وی با مرحوم رزم آرا در توطئه علیه سلطنت داشته (برگ ۱۹۶ جلد سوم) که برای تحقیق موضوع به باز پرسى تیب اردبیل نیابت قضائی داده شد (برگ ۱۹۸ جلد سوم) نتیجه تحقیقات که حکایت از کذب موضوع می نماید ارسال و در ردیف ۲۰۱ تا ۲۰۵ جلد چهارم پرونده ضبط است.

۲۱ - چون یکی از جرائد مطالبی مبنی بر سوء استفاده مادی زیاد در مراسم تشییع جنازه اعلیحضرت فقید درج نموده بود و نتیجه گرفته بود که اسنادیکه بهزینہ گذارده شده است چند صد هزار ریال بیشتر از اعتبار برآورده بوده، باز پرس از جهت اینکه شاید احتمالاً از این راه قرینة بدست آورد اقدام و با دارائی ارتش مکاتبه نمود (برگ ۲۷۱ جلد سوم پرونده).

۲۲ - طی ابلاغیه ۱۸۱۰۹ - ۲۰/۹/۱۲ دادستانی ارتش یادداشت کوچکی که به خط تیمسار سرلشگر مزینی بوده برای رسیدگی به باز پرسى ارسال گردید (برگ ۴۰۵ و ۴۰۶ جلد سوم پرونده) که در یادداشت مزبور به دو موضوع اشاره شده بود یکی

<http://www.chebayadkard.com>

\* لازم به تذکر است که ابتدا شماره مذکور که پس از رقم ۱۸ قرار گرفت است (۱۹) بوده و بقیه مطالب نیز برتیب تحت شماره های ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آورده شده است. اما پس از پایان تحریر «قرار»، از شماره ۱۹ تا ۲۳ خط نخورده، و مابین شماره ۱۸ و ۱۹ با قلم دیگری ابتدا نوشته شده است: «۱۹ - موضوع استراق سمع مذاکرات سرتیب سرتیب پور یا حائری نیا بوسیله یک کمک باز پرس» و سپس روی مطالب مذکور نیز خط کشیده شده است و تنها عدد ۱۹ باقی مانده و به ارقام بعدی نیز یک شماره اضافه شده است، در پایان تحت شماره ۱۹ مطالبی در یک برگ جداگانه و با قلم دیگری افزوده گردیده است، که «راحم» آن را در این محل قرار داده است.

اسم ضارب امام جمعه مبنی بر اینکه نام مشارالیه در صورت پول‌بگیر از نخست‌وزیری درج و ۲۵۰ ریال گرفته است، و دیگر موضوع وجوه مصرفی در زمان مرحوم رزم‌آراء در نخست‌وزیری که در هردو مورد از طرف این بازپرسی قبلاً اقدام گردیده بود، بدین منظور که درباره ضارب امام جمعه در برگ ۳۱۸ و ۳۲۰ جلد سوم پرونده از خلیلی تحقیق و درباره وجوه مصرفی نیز طبق تقاضای بازپرسی قبلاً از نخست‌وزیری صورت ارسال و بشرحی که در ماده ۱۴ گذشت.

۲۳ - رونوشت پاسخ تعدادی از افسران و مکاتبات به ژاندارمری درقبال پرسش کمیسیون... وزارت کشور به ژاندارمری بشرح ذیل در جلد چهارم پرونده ضبط است:

- گزارش سرهنگ مقرب فرمانده سابق هنگ مرکز از برگ ۳۰ به بعد.
- گزارش سرهنگ ضرابی فرمانده هنگ ۱۴ از برگ ۳۵ به بعد.
- گزارش سرهنگ کاشانی فرمانده دژبان ژاندارمری از برگ ۳۸ به بعد.

علاوه بر این‌ها صورت مجلس مشروحه در مورد بازرسی امور اداری ژاندارمری....

- موضوع اسلحه و مهمات - وسائل - آموزش از برگ ۴۱ به بعد جلد چهارم پرونده ضبط است.

۲۳ - تحقیقات درباره ثروت مرحوم رزم‌آراء، مهتدی، غضنفری اضافه

<http://www.chebayadkard.com>

میشود....

ماده ۲۴ - علاوه بر اقدامات فوق، چه قبل از ارجاع پرونده به بازپرسی ویژه، و چه در جریان تحقیقات در مورد موجودی نقدی و معاملات بعضی از مقامات نظامی و غیرنظامی که اسامی آنها در پرونده منعکس بود، از مراجع مربوطه استعلام و تحقیق بعمل آمده است که خلاصه آن بشرح ذیل است:

- طی ۴۳۸ - ۳۰/۳/۱۳ (در ردیف ۲۴۱ جلد اول پرونده) از وزارت دادگستری تقاضا گردید که اداره کل ثبت اسناد یا استعلام از دفاتر رسمی تعیین نمایند از تیرماه ۲۹ الی ۱۶ اسفند ۲۹ چه معاملاتی اعم از منقول و غیرمنقول بنام مرحوم رزم‌آراء - تیمسار همایونی - تیمسار گلپیرا - سرهنگ ستاد مهتدی - سرهنگ غضنفری - آقایان فروغی‌زاده و خونساری بعمل آمده است

در مورد حسابجاری و پس‌انداز این اشخاص طی ۴۴۱ - ۳۰/۳/۱۳ از بانک‌های ملی - رهنی - کشاورزی - سپه - بازرگانی - انگلیس و خاورمیانه -



صندوق پس انداز ملی استعمال و تصریح گردید که تعیین نمایند موجودی نامبردگان در تیرماه ۲۹ چه بوده؟ و بعداً هم میزان وجوهی که تا این تاریخ (۳۰/۳/۱۳) به حساب خود ریخته‌اند چیست؟ (برگ ۲۴۴ جلد اول پرونده) که نتیجه و خلاصه پاسخهای رسیده به قرار ذیل است:

مرحوم سپهبد رزم‌آرا: در بانک انگلیس و خاورمیانه ۳۵۶/۵۲۷/۶۰ ریال (برگ ۲۷۰ جلد اول پرونده).

در بانک سپه: ۱۱۲/۸۶۴/۵۰ ریال (برگ ۲۷۳ جلد اول پرونده)  
بانک ملی: به حساب جغرافیای نظامی ۳۲/۹۳۹/۵۵ (برگ ۳۰۲ جلد اول پرونده)

تیمسار سرلشگر همایونی: در بانک ملی ۹۱/۴۲۴/۸۰ ریال (برگ ۳۰۲ جلد اول پرونده)  
<http://www.chebayadkard.com>

تیمسار سرتیپ گلپیرا: در هیچ بانکی حسابی ندارد.  
آقای مهندی: بانک انگلیس و ایران ۴۸ ریال که چون یکسال گذشته، بسته شده است (برگ ۲۷۰ جلد اول پرونده)

— در بانک سپه از مرداد ۲۸ الی آخر آذر ۲۹، ۵۶,۵۲۰ ریال بحساب خود ریخته، ولی بعداً برداشت و ۵۶ ریال موجودی دارد (برگ ۲۷۳ جلد اول پرونده)  
در بانک ملی ۵۰ ریال (برگ ۳۰۲ جلد اول)

سرهنگ غضنفری: در ۲۹/۷/۵ حسابی در بانک بازرگانی باز نموده به دفعات ۱۱,۰۰۰ و ۷۰۰ و ۵۳۶ ریال به حساب خود ریخته ولی برداشت نموده و موجودی ۵۰ ریال است (برگ ۲۶۴ جلد اول)

آقای فروغی زاده: در بانک ملی ۳۲ ریال (برگ ۳۰۲ جلد اول پرونده)  
آقای خونساری: در بانک ملی ۴۶,۸۴۰,۶۵ ریال (برگ ۳۰۲ جلد اول پرونده)

در ضمن بانک ملی پامخ داده است که نامبردگان در شعب بانک ملی بازار و صندوق پس انداز و باجه‌های شهری حسابی ندارند.

علاوه بر این طی ۴۷۵ — ۳۰/۳/۱۸ (برگ ۲۷۶ جلد اول پرونده) به اداره کل گمرک اعلام گردید که تعیین نمایند از اعتبار مخفی آن اداره از تیرماه ۱۳۲۹ تا اسفند



۲۹ چه مبلغ برداشت شده و به چه اشخاصی داده شده است. اداره مزبور پاسخ داد که اعتباری بنام اعتبار مخفی در این اداره وجود ندارد. و طبق موافقت وزارت دارائی از اعتبارات مربوطه یک میلیون ریال در دو مرتبه از لحاظ خدمتی که مأمورین دواثر وصول نموده اند بنام پاداش تقسیم، و این عمل هم مسبوق به سابقه بوده و ۲۰ برگ صورت اسامی کارمندان گمرک و گارد مسلح گمرک را که مربوط به تمام حوزه های گمرکی می باشد و پاداش گرفته اند ارسال داشته اند (برگ ۲۷۷ و ۳۴۲ جلد اول پرونده)

— در ضمن تحقیق از تیمسار سرتیپ کیا نیز سؤال شد که آیا مرحوم سپهبد رزم آرا به راهنمایی یا وسیله جنابعالی در شرکت هائی سهامی گرفته، و یا به راهنمایی جنابعالی معاملات مهمه داخلی و خارجی نموده بوده یا خیر؟ (برگ ۱۵۵ جلد سوم پرونده)، ایشان پاسخ دادند مرحوم رزم آرا ده سهم از شرکت کیاکا، هفت سهم از شرکت چاه که آنهم در حقیقت یک شعبه از شرکت کیاکا بوده خریداری کرده، و دیگر هیچ معاملات خارجی و یا داخلی که ایتجناب اطلاع داشته باشم ننموده است و قیمت تقریبی تمام این سهام قریب ۷۰۰۰۰ (هفتاد هزار ریال) است.

و ضمن تحقیق از مهتدی نیز دارائی مشارالیه اعم از نقد، منقول و غیرمنقول و سهام در شرکتها استعمال گردید (برگ ۱۷۱ جلد سوم پرونده)، مشارالیه پاسخ داد: یک قطعه زمین در باغ فیض دارم که چهار هزار متر است و حدود متری دو ریال خریداری شده، و یک قطعه زمین که ارتش در عباس آباد داده است، و یک باب خانه در شمال دانشگاه تهران که جدیداً ساخته ام، و وجه ساختمان آن از حاصل فروش خانه ایست که در خیابان شاهرضا کوچه سرشار خانم اینجناب داشت... الخ، و در خاتمه اظهار داشت که نه بنام خودم و نه بنام عیال و اطفالم در هیچ یک از بانکها — ها — و هیچ جا مال منقول یا غیرمنقولی ندارد. و برای اطمینان خاطر غرض می نمایم هرگونه دارائی منقول یا غیرمنقول غیر از آنچه که گفته شد اگر سراغ دارند به معلولین ارتش می بخشم.

<http://www.chebayadkard.com>

### نتیجه تحقیقات و اقدامات

الف — نتیجه تحقیقات از عده از امراء و افسران ارشد: امراء و افسرانیکه برای تحقیقات احضار شدند ضمن پاسخ دادن به سئوالات که شده اظهار داشتند که در مدت همکاری با مرحوم سپهبد رزم آرا جز خدمتگذاری و شاه دوستی... از وی ندیده و

چون هستی و مقام و درجه خود را از پرتو مقام سلطنت و یا اعلیحضرت فقید داریم... چنانچه خلاف این رویه و نیت را در مرحوم رزم آراء احساس می کردیم شخصاً موظف به گزارش و اطلاع به مقامات عالی و یا شاهنشاه بوده و اصولاً وظیفه شاه دوستی و وطن پرستی و مصلحت... غیر از این حکم نمی نمود.

سرتیپ شهیدپور و آقای مهتدی نیز در همین زمینه مطالبی اظهار و نوشته اند.

ب - نتیجه تحقیقات در ژاندارمری کل کشور: در تحقیقات معموله از ژاندارمری کل کشور معلوم و مسلم گردید که تشکیل آموزشگاههای ژاندارمری و گردان آموزش نقری و تغییر تبدیلات حاصله .... و تأسیس پاسگاههای ژاندارمری و ساختمانهای مربوطه فقط و فقط برای تعلیم و تربیت کادر .... ژاندارمری و بالاخره پیشرفت آموزش و ورزیدگی سازمان برای انجام وظائف مقررده بوده است.

ج - نتیجه تحقیقات از سید حسن حائری نیا: این شخص محصل دانشکده معقول منقول بوده و... سابقاً توسط آقای ظهیرالاسلام به مرحوم سپهبد رزم آراء معرفی و مدتی با آن مرحوم تماس داشته و بعداً در اوایل تیرماه ۱۳۳۰ جزء مأمورین ویژه رکن دوم استخدام، مأمور تهیه اخبار بوده، علاوه بر این مدتی قبل از دستگیری در ردیف مأمورین ویژه اداره کارآگاهی نیز استخدام گردیده (در زمان ریاست شهربانی سرتیپ دفتری و ریاست کارآگاهی سرتیپ سرتیپ پور) و منظور از استخدام وی ظاهراً کسب اطلاع از جامعه روحانیون بوده است، و علاوه بر این در جریان تحقیقات معلوم گردید که با احزاب و دستجاتی از جمله جبهه ملی و حزب زحمتکشان و بعضی از مقامات روحانی و سیاسی دیگر تماس داشته و اظهار نمود که سابقاً با جبهه ملی و حزب زحمتکشان همکاری می نموده، ولی بعداً مخالفت پیدا و دوری کرده است، در ضمن اوراق مکشوفه نتیجه گرفته شد که با آقای عباس اسکندری و آقای دکتر بقائی رفت و آمد و مکاتبه داشته، همچنین با برادران لنکرانی و مدتی قبل از جناب آقای دکتر مصدق عکس و کارتی دریافت داشته و از آقای متین دفتری هم دو نامه دریافت داشته است، ولی طبق استنباط باز پرس این ارتباطها عمقی نداشته و شاید قسمت اعظم آن بعلت تمایل و اصرار شخص سید و احیاناً استفاده اطلاعاتی بوده که احزاب یا مقامات و اشخاص از وی می نموده اند نه مناسبات دوستانه متقابل. مؤید این نظر پیش نویس نامه ایست که مشارالیه برای مرحوم لیاقت علیخان نخست وزیر متوفای پاکستان نوشته است و جزء اوراق ملاحظه شد

(به ردیف ۶۷ جلد چهارم پرونده مراجعه شود).

با توجه به مختصری از مشخصات یا بیوگرافی سید حائری نیا که باید اضافه نمود که در مطول نویسی و مطول گوئی، خلق مطلب نیز افراطی و ید طولانی دارد (به برگ ۶۸ جلد چهارم پرونده شود) اشعار می دارد؛ که پس از کارشناسی از خط دفترچه زمینه تحقیقات جدیدی فراهم و از سرتیپ سرتیپ پور و مهندی نوشته گرفته شد که سید نامبرده را بعنوان مفتری بعداً تعقیب نمایند و به این وسیله مرحله بازجویی جدید بمنظور کشف حقیقت شروع شد، بالاخره پس از تحقیقات مشروح سید مزبور اظهار داشت که در بدو امر وقتی در شهر بانی از این جانب بازجویی در اطراف مندرجات دفترچه و دستور کودتا بعمل آمد اظهار داشتیم خط خودم است و چند سال قبل نوشته ام، و وضع کتابچه نیز نباید می نماید، ولی رئیس و معاون اداره آگاهی به من فشار آوردند که بگویم خط رزم آراء است که با تأثیر محیط سیاسی آن روز من اجباراً اینطور گفتم و نوشتم، و اکنون که در محیط آزاد باز پرسى میشود صریحاً می گویم که خط رزم آراء نیست و حاضر به مواجهه با رئیس و معاون آگاهی می باشم.<sup>۵</sup>

با این ترتیب اساس ابتدائی پرونده یعنی اظهارات سید حائری نیا نیز که استخوان بندی آن را مندرجات دفترچه مزبور تشکیل می داد بی اعتبار گردید.

د - نتیجه تحقیقات و اقدامات دیگر - از تحقیقات و اقدامات دیگر نیز که شرح آن در بالا گذشت و منجر به چهار جلد پرونده و بالغ بر ۱۵۰۰ برگ می باشد گردید، دلیل و مدرکی که مؤید توطئه علیه مقام سلطنت در زمان مرحوم رزم آراء باشد بدست نیامده است و در مورد مکالمات تلفونی نیز سرتیپ سرتیپ پور و مهندی تکذیب نمودند (برگ - - و - - جلد دوم پرونده).

«نظریه باز پرس»

الف. در مورد سرتیپ محمدحسین سرتیپ پور رئیس سابق اداره کارآگاهی شهر بانی و سرهنگ پیشین علی اکبر مهندی معاون اسبق نخست وزیر که هر دو آزاد

<http://www.chebayadkard.com>

• مجدداً با قلم دیگری در ادامه این خط و سپس در حاشیه نوشته شده است: «و وقتی علت نوشتن این مطالب در دفترچه از وی سؤال شد، پاسخ داده که من نویسنده ام و این قبیل مطالب که بنظر افراد عادی غیرعادی می آید در یادداشت هایم موجود است و حتی اضافه کرد که اغلب از جرائد این نوع مطالب را می نویسد ترقی می کنند و وکیل می شوند، ولی من به حبس افتادم.



بقید ائتزام اند، از لحاظ اتهام شرکت در توطئه علیه مقام سلطنت بعلت فقد دلیل قرار منع پیگرد صادر می شود.

ب. در مورد استوار جنید براهونی (استوار ژاندارم جمعی هنگ ژاندارمری خراسان) که به اتهام سوء قصد به ذات شاهانه تحت تعقیب واقع گردیده بود و همچنین محمد براهونی نوکر استوار مزبور که به اتهام اطلاع از این جریان احضار و با قرار ائتزام آزاد گردیدند، بعلت فقد دلیل قرار منع پیگرد صادر می شود.

ج. در مورد سید محمد حسن حائری نیا زندانی در زندان شهربانی که طبق نظر این باز پرس متهم به افتراء و تشویش اذهان عمومی بوده و مشمول ماده ۲۶۹ و بند ب ماده ۲۶۹ مکرر قانون کیفر همگانی می باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می گردد تا چنانچه تحقیقات و اقدامات قضائی دیگری در زمینه این اتهام لازم باشد توسط دادسرای تهران که صالح به رسیدگی معمول و قرار قانونی نهائی صادر نمایند.

در خانمه برای مزید استحضار معروض می دلود که جز پنج نفر بالا شخص دیگری بنام متهم تحت بازجوئی قرار نگرفته، و از سایر اشخاص نظامی و غیر نظامی که تحقیقاتی بعمل آمده است بعنوان مطلع بوده.

کمک باز پرس — سرگرد ستاد حسین رستگار  
کمک باز پرس — سرهنگ مهندس جلیل ارفعی

باز پرس ویژه — سرتیپ سعید کیهان





... شهر - بازنه  
... و شهر - سیه

اداره دارسی ارتش

۱۱

لطف برادر عزیز من ...

... در میان ...

... در روز ...

... در سال ...

... در ماه ...

... در روز ...

... در سال ...

... در ماه ...

... در روز ...

... در روز ...

... در روز ...



## حضور وکلای مدافع خلیل طهماسبی در شعبه ۱ بازپرسی\*

شیر و خورشید

وزارت دادگستری

تاریخ ۳۱/۱/۱۷ برحسب وقتی که برای امروز تعیین و به وکلای مدافع متهم ابلاغ شده بود حضور رسانند در ساعت نه صبح آقایان رضا ملکی، و صفا حائری، و کاشانی در شعبه این بازپرسی حضور رسانیده، و اینجانب باز پرس شعبه ۱ بمعیت آقایان نامبرده به حوزه وزارتی مراجعه، و در اطاق جناب آقای عاملی رئیس دفتر وزارت دادگستری حضور رسانیده و به ترتیب آقای دکتر بقائی، و آقای ابوالفضل لسانی نیز حضور رسانیدند. و ضمناً آقای دکتر عیسی سپیدی که اخیراً از طرف متهم تعیین و مشارالیه نیز قبولی خود را ذیل یادداشت خلیل طهماسبی اعلام نموده اند حضور رسانیده. آقای قرزل ابلاغ دادیار داسرای شهرستان نیز حضور رسانیده و متفقاً در اطاق سابق مدیرکل بازرسی که مفضل و مسهور بوده، و آقایان نامبرده و آقای اکرمی رئیس دفتر بازرسی کل کشور مهر و لاک اطاق را ملاحظه نموده و صحت مهر و لاک مورد گواهی نامبردگان واقع گردید، درب اطاق با کلیدی که در نزد جناب آقای عاملی (در جعبه میز مشارالیه موجود بوده) باز گردید (در این موقع آقای وثوقی دادیار داسرا حضور رسانیده و آقای قرزل ابلاغ که بجای آقای وثوقی حضور رسانیده بودند خارج شدند) - پس از ورود به اطاق مزبور دفتر فهرست برگهای مربوط به شرکت نفت و اداره اطلاعات شرکت نفت و منزل شخصی سدان در اختیار آقایان وکلا مدافع قرار گرفت، و آقایان وکلا مدافع موارد استشهد خود را بشرح صفحه ۳۳ معرفی می نمایند.

[امضاء ها:]

باز پرس شعبه ۱	دکتر بقائی کرمانی	مهدی کاشانی
صفا حائری	رضا ملکی	ابوالفضل لسانی
اکرمی	ناصر وثوقی	عاملی (رئیس دفتر وزارتی)
		امضاء ناخوانا

<http://www.chebayadkard.com>

□ صفحه ۱۳۶۳ پرونده.



## حضور چند تن از وکلای خلیل طهماسبی در شعبه اول بازپرسی دادسرای تهران\*

شیر و خورشید  
وزارت دادگستری

صفحه ۳۹

بتاریخ ۳۱/۲/۲۵ برحسب وقتی که برای مراجعه به دادرسی ارتش و استفاده از محتویات پرونده اتهامی مربوط به کودتا تعیین شده بود، در این تاریخ ساعت نه صبح آقایان صفا حائری و کاشانی دو نفر از وکلای مدافع متهم در شعبه اول بازپرسی حضور رسانیده و آقای کاشانی اظهار نمودند آقای ملکلی در شعبه اول دیوانعالی جنائی بسمت وکیل مدافع در پرونده اتهامی متهمین ابرقوی یزد مشغول دادرسی هستند، و از حضور در این جلسه عذر خواستند. و اینجانب و آقای صفا حائری آماده برای عزیمت به دادرسی ارتش و ملاحظه محتویات پرونده مزبور هستیم. لذا در ساعت ده صبح تاریخ فوق اینجانب باز پرس شعبه ۱ بمعیت آقایان نامبرده به دادرسی ارتش عزیمت، و در اطاق تیمار سرتیپ صاره دادستان محترم ارتش حضور رسانیده، و آقای دادستان ارتش اظهار فرمودند که قبلاً بمناسبت اینکه موضوع اتهام در جریان رسیدگی و تحقیق و محرمانه بوده، قانوناً مصلحت نبود پرونده را در اختیار آقایان وکلای مدافع و باز پرس قرار داد، ولی اکنون که جریان پرونده پایان یافته و منتهی بصدور قرار منع تعقیب متهمین گردیده

<http://www.chebayadkard.com>

۵ صفحه ۱۳۸۷ پرونده.





است.

اینک قرار شماره ۳۰/۱۲/۱۹ - ۳۹۴ باز پرس ویژه دادرسی ارتش که مورد موافقت دادستان ویژه نیز واقع شده، و قرار مزبور مشتمل بر خلاصه ای از کلیات پرونده های تحقیقاتی است برای ملاحظه در اختیار آقایان گذارده می شود، و سپس قرار مزبور که مشتمل بر بازده برگ و حاوی خلاصه ای از تحقیقات و جریان پرونده های اتهامی بود تحت نظر اینجانب و وکلا مدافع متهم قرار گرفته، و پس از بررسی مندرجات آن آقایان وکلا اظهار نمودند:

هرچند بنابه حکایت قرار صادره، ملاحظه پرونده اتهامی در دفاع از اتهام منتسب به موکل مؤثر بنظر می رسد، اما چون طبق حکایت قرار باز پرس دادستانی ارتش پرونده اتهامی مزبور مشتمل بقریب یک هزار و پانصد برگ تحقیقات علاوه بر اوراق و مدارک دیگری است که ملاحظه تمام محتویات آن بقیتاً مدتها طول خواهد کشید، و بمناسبت اینکه موکل اینجانبان متجاوز از یک سال است در زندان و بلا تکلیف می باشد، و دیگر اقتضاً ندارد برای ملاحظه پرونده مزبور بیش از این موکل بلا تکلیف باشد، لذا فعلاً از ملاحظه پرونده های مزبور صرف نظر نموده و برای اعاده پرونده به دیوانعالی جنائی بعداً تقاضای لازم خواهیم نمود<sup>۳</sup>.

امضاء باز پرس شعبه ۱ داسرا  
امضاء سرتیب صارم

امضاء صفا حایری  
امضاء مهدی کاشانی